

۱ ثانیه هم در مورد آینده بیل بحث نکرده ایم واکشش مورینو به شایعات بازگشت بیل به رئال صفحه ۷



خطیب و نمازگزاران مسجدی در قندوز بربیک رادیوی محلی حمله کردند

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت قندوز تأیید می‌کنند که شماری از نمازگزاران و...

صفحه ۲

شورای امنیت ملی برای بررسی کشته‌شدن یک عضو شورای ولایتی غور هیأت اعزام می‌کند

صفحه ۲

فراخوانی روستا در نظام دولت شهری

صفحه ۳

مخالف چلانی خوب

صفحه ۴

بایدن چگونه می‌تواند به برقراری صلح پایدار در افغانستان کمک کند؟



صفحه ۸

یادداشت روز

خالقان «آموزگاران خیالی» محاکمه شوند

کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی افغانستان به تازگی اعلام کرده است که ۱۲ هزار کارمند خیالی را در ادارات ملکی دولت افغانستان شناسایی کرده است. سید حشمت‌الله هاشمی، سرپرست این کمیسیون به بی‌بی‌سی فارسی گفته است که از میان این ۱۲ هزار کارمند خیالی، حدود ۹ هزار کارمند که بیشتر شامل «آموزگاران جعلی» می‌شوند، در وزارت معارف شناسایی شده‌اند. او گفته که پس از بیومتریک کارمندان دولت مشخص شد که این کارمندان خیالی از سال‌ها به این طرف هیچ وظیفه‌ای اجرا نکرده اما در عمل از دولت معاش دریافت کرده‌اند.

سرپرست کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی همچنان گفته است که برخی از این افراد به گونه‌ای خودسر جای دیگر به خدمت گرفته شده بودند و شماری دیگر از کارمندان و آموزگاران در ولایت‌های ناامن صرفاً حاضری را امضا و «معاش مفت» دریافت کرده‌اند. وی افزوده است که مواردی هم شناسایی شده است که یک نفر در یکی از ولایت‌ها به‌حیث آموزگار استخدام شده است و همزمان در یکی از وزارت‌ها در پایتخت کشور نیز پستی را اشغال کرده و از دو منبع معاش دریافت کرده است...

۲



یک غیر نظامی و ۱۱ نظامی در حمله طالبان در قندوز کشته شدند

صفحه ۲

شورش در زندان فاریاب یک کشته و پنج زخمی بر جای گذاشت

صفحه ۲



شناسایی ۱۰۴ مریض جدید کووید ۱۹ و فوت هشت نفر در شبانه‌روز گذشته

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه می‌گوید که در بیست‌و‌چهار ساعت گذشته ۱۶۶۸ نمونه مشکوک به ویروس کرونا را...

صفحه ۲

انفجار موتوربمب در غزنی یک کشته و هفت زخمی بر جای گذاشت

صفحه ۲



ترجمه

مرز ایران؛ تجاوز جنسی بزرگ‌ترین خطری که زنان و کودکان پناهجو را تهدید می‌کند (۴)

داده شود، درحالی که او را در همان مکان تنها نگهداشته بودند. اگرچه عبور از مرز ایران به‌دلیل شیوع ویروس کرونا کاهش چشم‌گیر یافته است، اما پناهجویان در شهر و ولسوالی‌های وان از دریافت خدمات | صفحه ۴

تولش



حکومت موقت؛ کارشناسان چه می‌گویند؟

دور دوم مذاکرات صلح بین‌افغانی با بحث روی اجندای گفت‌وگوها پس از یک وقفه ۲۰ روزه، در دوحه آغاز شد. این دور دور در حالی آغاز می‌شود که در کابل بحث پیرامون صلح چندگانه است؛ شورای عالی مصالحه در نشست‌های‌شان روی تهیه رهنمود | صفحه ۵

تحلیل

ناکارآمدی سیستم‌های آموزشی افغانستان در تولید محتوای صلح‌آمیز

چندین دهه که است که شعار می‌دهیم به صلح نیاز داریم و صلح ضرورت جامعه است. با توجه به این اصل مهم، انتظار می‌رود که سیستم‌های آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی افغانستان، پیوسته این ادعا را حمایت کنند. یعنی محتوا تولید کنند و افراد جامعه را برای رسیدن به صلح آماده کنند. پرسش اساسی این نوشته این است که چقدر نظام‌های آموزشی ما در راستای صلح‌سازی عمل کرده‌اند؟ آیا آن‌ها در طول دو دهه گذشته توانسته‌اند، محتوای صلح‌آمیز، مطابق با نیاز جامعه تولید کنند؟ سازمان ملل متحد به‌عنوان روشی پیشگیرانه، دهه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ را دهه بین‌المللی فرهنگ صلح و عدم خشونت نام‌گذاری کرد. در همین راستا یونسکو، ارزش ترویج فرهنگ صلح را چنین معرفی می‌کند «آموزش فرهنگ صلح منجر به پرورش و...»

۳



بسته های ویژه اینترنتی برای بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



کارمندان خیالی در دولت افغانستان در سال‌های اخیر همواره بحث‌برانگیز بوده است. آموزگار خیالی، مکتب خیالی و سرباز خیالی در ادارات ملکی و نظامی افغانستان برای حکومت یک چالش بوده است. اما بیشترین ارقام کارمندان خیالی براساس گزارش‌های رسمی و گفته‌های مقام‌های حکومتی، در ساختار وزارت معارف افغانستان بوده است. در سال ۱۳۹۴ اسدالله حنیف بلخی، وزیر پیشین معارف افغانستان در سخنانی در مجلس نمایندگان کشور تأیید کرد که مسئولان پیشین این وزارت در زمان حکومت رییس‌جمهور کرزی مکاتب و آموزگاران خیالی را ایجاد کرده و شمار مکاتب و آموزگاران را جعل کرده‌اند. یک سال پیش از آن سیگار یا بازرس ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان نیز از احتمال حیف‌وومیل شدن ۷۵۰ میلیون دالر از کمک‌های ایالات متحده آمریکا برای افغانستان ابراز نگرانی کرده بود. سیگار همچنان از موجودیت آموزگاران و مکاتب خیالی در کشور هشدار داده بود.

موجودیت آموزگاران و مکاتب خیالی در وزارت معارف افغانستان بیشتر به زمان وزارت فاروق وردک برمی‌گردد. اسدالله حنیف در مجلس نمایندگان گفته بود که در برخی از مناطق ناامن کشور هیچ مکتبی وجود ندارد اما امکانات، امتیازات و معاش آموزگاران به‌نام آن گرفته می‌شود. برخلاف او، آقای وردک در آن زمان گفته بود که وزارت معارف سیستم منظم دارد و ۲۶۰ هزار نفر در این وزارت کار می‌کنند که همه ثبت و راجسترشده‌ی سیستم کمپیوتری‌اند. او گفته بود: «من تمام کره زمین را چلنج می‌دهم، وزیر صاحب فعلی را، سیگار را، آمریکاییان را، جامعه جهانی را که یک معلم را پیدا نکنند که به‌نامش معاش توزیع شده و به معلم نرسیده.»

افغانستان یکی از پنج کشور در منطقه است که بیشترین جمعیت بی‌سواد و کم‌سواد را دارد. سال گذشته میرویس بلخی، وزیر پیشین معارف افغانستان گفته بود که ده میلیون نفر در کشور بی‌سوادند. یک سال پیش از آن او گفته بود که ۳.۷ میلیون کودک افغان نیز از دسترسی به آموزش محروم‌اند. در همین سال مقام‌های وزارت معارف گفته بودند که بیش از ۶۰ درصد مردم افغانستان که بالای ۱۵ سال سن دارند، بی‌سوادند. براساس آمار یونسکو، در حال حاضر نرخ سواد در افغانستان بالای ۴۳ درصد است. از طرفی آمار سالنامه احصاییوی ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که تعداد مجموعی مکاتب در افغانستان ۱۶ هزار و ۴۲۹ باب بوده است. در این سال در این مکاتب ۹ میلیون و ۵۸۸ هزار و ۵۸۸ دانش‌آموز مصروف فراگرفتن دانش بوده‌اند و ۲۱۱ هزار و ۴۵۴ آموزگار به این دانش‌آموزان آموزش می‌دادند.

مسئولان همواره گفته‌اند که برای محو بی‌سوادی در افغانستان و بلندبردن سطح سواد در کشور، نیاز به برنامه‌های اساسی و «حشر عمومی» است. اما در عمل نهادهای مسئول در افغانستان در امر ارائه خدمات در بخش معارف کارنامه‌ی درخشان نداشته‌اند. حالا که کمیسیون اصلاحات اداری افغانستان موجودیت ۹ هزار آموزگار خیالی را در وزارت معارف تثبیت کرده است، بیشتر می‌توان به ناکارگی وزارت معارف و مسئولان آن پی برد.

با توجه به اهمیت بالای معارف در افغانستان و نقش حکومت در بالابردن سواد در جامعه، ایجاد آموزگار خیالی و حیف‌وومیل بودجه عامه توسط افراد و مسئولان وزارت معارف باید به‌گونه‌ی جدی بررسی گردد. هرچند حکومت افغانستان در امر مبارزه با فساد اداری کارنامه‌ی قابل دفاع ندارد اما برای پی‌گردن قراردادن کسانی که با سرنوشت فرزندان مردم بازی کرده و از بودجه وزارت معارف حیف‌وومیل کرده‌اند، بایستی به‌صورت جدی و فوری اقدام کند. مقام‌های پیشین و برحال وزارت معارف افغانستان باید در برابر نهادهای عدلی و قضایی افغانستان و در برابر چشمان جامعه در مورد موجودیت آموزگاران خیالی حساب پس دهند. معارف اساس و بنیاد ترقی یک جامعه و ملت است و بازی با آن و حیف‌وومیل دارایی عامه نباید بدون بازخواست بماند.

یک غیرنظامی و ۱۱ نظامی در حمله‌ی طالبان در قندوز کشته شدند

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت قندوز می‌گویند که در پی حمله‌ی جنگ‌جویان گروه طالبان بر پاسگاه نیروهای امنیتی در مربوطات ولسوالی امام صاحب این ولایت، دست‌کم ۱۲ نفر کشته و ۱۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند. عبدالاحد توریال کاکر، عضو شورای ولایتی قندوز به روزنامه اطلاعات روز گفت که این حمله پنج‌شنبه شب (۲۵ جدی) صورت گرفته است. به گفته‌ی او، در میان کشته‌شدگان ۱۱ نظامی و یک غیرنظامی شاملند. در همین حال، انعام‌الدین رحمانی، سخنگوی فرماندهی پولیس ولایت قندوز گفت که این حمله‌ی طالبان حوالی ساعت ۹:۰۰ دو شب پیش بر پاسگاه امنیتی اروته‌بز در

مربوطات ولسوالی امام صاحب اجرا شده است. به گفته‌ی او، در این پاسگاه مشترک، نیروهای ارتش، پولیس و امنیت ملی مستقر بودند. آقای رحمانی همچنان گفت که درگیری میان جنگ‌جویان گروه طالبان و نیروهای امنیتی تا ساعت ۲:۰۰ بامداد دیروز ادامه داشته است. او افزود که در جریان این درگیری به دو طرف تلفات وارد شده، اما آمار آن هنوز مشخص نشده است. گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است. ولایت قندوز در شمال‌شرق کشور موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت ناامن، جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت تروریستی دارند.

خطیب و نمازگزاران مسجدی در قندوز بر یک رادیوی محلی حمله کردند

در همین حال، تصاویری در رسانه‌های اجتماعی از ایستگاه رادیویی زهره منتشر شده، نیز نشان می‌دهد که وسایل نشراتی این رادیو به‌گونه‌ی کلی و قسمی تخریب شده است. از سوی هم، آنچه که به نقل از محسن احمدی، مدیرمسئول رادیو زهره در رسانه‌های اجتماعی مطرح شده، خلط شدن امواج رادیو با سیستم صدای مسجد در جریان نماز باعث شده تا خطیب و نمازگزاران مسجد فیروزکوهی بدون تحقیق در همین حال، تصاویری در رسانه‌های اجتماعی از ایستگاه رادیویی زهره منتشر شده، نیز نشان می‌دهد که وسایل نشراتی این رادیو به‌گونه‌ی کلی و قسمی تخریب شده است. از سوی هم، آنچه که به نقل از محسن احمدی، مدیرمسئول رادیو زهره در رسانه‌های اجتماعی مطرح شده، خلط شدن امواج رادیو با سیستم صدای مسجد در جریان نماز باعث شده تا خطیب و نمازگزاران مسجد فیروزکوهی بدون تحقیق

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت قندوز تأیید می‌کنند که شماری از نمازگزاران و خطیب یک مسجد در این ولایت بر ایستگاه یک رادیوی محلی در مرکز این ولایت حمله کرده‌اند. انعام‌الدین رحمانی، سخنگوی فرماندهی پولیس ولایت قندوز به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد بعد از ظهر دیروز (جمعه، ۲۶ جدی) رخ داده است. آقای رحمانی همچنان گفت که گزارشی در این مورد به پولیس رسیده، اما میزان دقیق خسارات به این ایستگاه رادیویی هنوز روشن نشده است. به گفته‌ی او، حمله بر رادیو زهره از سوی خطیب و نمازگزاران مسجد فیروزکوهی صورت گرفته است. مرکز خبرنگاران افغانستان نیز اعلام کرده است که این رویداد دیروز در ناحیه‌ی اول شهر قندوز رخ داده است. این مرکز در توییتهای همچنان گفته است که حمله‌ی نمازگزاران بر دفتر «رادیو زهره» به تحریک خطیب این مسجد صورت گرفته که در نتیجه به این رادیو آسیب جدی رسیده است.

شناسایی ۱۰۴ مریض جدید کووید ۱۹ و فوت هشت نفر در شبانه‌روز گذشته

ناشی از کرونا در کشور به ثبت رسیده است. این تعداد افراد در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، نیمروز، میدان‌وردک، خوست و فاریاب به دلیل ابتلا به کووید ۱۹ جان باخته‌اند. شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مریضی کووید ۱۹ در افغانستان تا دیروز به دوهزار و ۳۳۶ نفر افزایش یافته است. همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته ۳۲۹ مریض کووید ۱۹ در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، قندوز، میدان‌وردک، بدخشان، خوست و زابل بهبود یافته‌اند. به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۴۵ هزار و ۴۳۴ نفر افزایش یافته است.



اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در بیست‌و‌چهار ساعت گذشته ۱۶۶۸ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را تست کرده است که نتایج آزمایش ۱۰۴ نمونه‌ی آن مثبت تشخیص شده است. این تعداد موارد مثبت کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، ننگرهار، قندوز، نیمروز، میدان‌وردک، بدخشان، بادغیس، هلمند، لغمان، کنر، غور، فراه و ارزگان به ثبت رسیده است. با ثبت این رویدادها، شمار مجموعی مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان از نخستین روز شیوع این ویروس تاکنون به ۵۳ هزار و ۹۳۵ نفر رسیده است. براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌و‌چهار ساعت گذشته هشت مورد مرگ

انفجار موتر بمب در غزنی یک کشته و هفت زخمی بر جای گذاشت

امنیتی شهر غزنی، دره قیاق ولسوالی جغتو، مربوطات ولسوالی‌های دهیک و قره‌باغ و مسیر شاهراه کابل - هرات اجرا شده است. به گفته‌ی او، در این حملات به نیروهای امنیتی و دفاعی آسیبی نرسیده است، اما ۱۱ جنگ‌جوی گروه طالبان در پی حملات هوایی کشته شده‌اند. گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است. ولایت غزنی در جنوب افغانستان موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت ناامن، جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت تروریستی دارند.

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت غزنی می‌گویند که در پی انفجار یک عراده موتر بمب‌گذاری‌شده در مسیر شاهراه کابل - هرات، یک غیرنظامی کشته شده و هفت سرباز ارتش زخمی شده‌اند. واحدالله جمعه‌زاده، سخنگوی والی غزنی می‌گوید که این رویداد حوالی ساعت ۳:۰۰ بامداد دیروز در منطقه‌ی «نانو»ی این ولایت رخ داده است. به گفته‌ی او، یک عراده موتر هاموی بمب‌گذاری‌شده که قصد حمله بر یک پایگاه نیروهای امنیتی و دفاعی را داشت، پیش از رسیدن به هدف از سوی نیروهای

شورش در زندان فاریاب یک کشته و پنج زخمی بر جای گذاشت

آقای یورش همچنان می‌گوید که پولیس با اطلاع از این قضیه، به‌گونه‌ی عاجل اقدام کرده و زندانیان را در بلاک‌های مربوطه‌ی شان جابجا کرده است. سخن‌گوی پولیس فاریاب علاوه کرده است که قضیه با حضور دادستان مؤظف و بخش‌های کشفی زیر بررسی قرار دارد. طبق معلومات او، بیش از ۴۰۰ نفر در زندان فاریاب زندانی هستند. ولایت فاریاب در شمال افغانستان موقعیت دارد.

اطلاعات روز: پولیس فاریاب می‌گوید که در نتیجه‌ی شورش زندانیان در داخل زندان این ولایت، یک زندانی کشته و پنج زندانی دیگر زخمی شده‌اند. عبدالکریم یورش، سخنگوی فرماندهی پولیس فاریاب می‌گوید که این شورش حوالی ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر روز پنج‌شنبه (۲۵ جدی) رخ داده است. به گفته‌ی او، تنش لفظی شماری از زندانیان با یک زندانی دیگر باعث شورش در زندان فاریاب شده است.

شورای امنیت ملی برای بررسی کشته‌شدن یک عضو شورای ولایتی غور هیأت اعزام می‌کند

دستور ترور وکیل عبدالرحمان عطشان معاون شورای ولایتی غور، وکیل رضازاده عضو شورای ولایتی غور و بسم‌الله ایماق خبرنگار صدای غور را داده بود. این ترورهای توسط حلقه‌ی اطرافیان نام‌برده و گروه تروریستی طالبان انجام شد. در همین حال، ذبیح‌الله مجاهد، از سخن‌گویان گروه طالبان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، ادعای ارتباط عزت‌الله بیگ با این گروه را رد کرده و می‌گوید که امنیت ملی می‌خواهد جنگی را که با عضو شورای ولایتی داشت، به بهانه‌های مختلف توجیه کند.

اطلاعات روز: دفتر شورای امنیت ملی کشور می‌گوید که یک هیأت به‌خاطر بررسی همه‌جانبه و روشن شدن ابعاد رویداد کشته‌شدن عزت‌الله بیگ، عضو شورای ولایتی غور و یک نیروی امنیت ملی، به شهر فیروزکوه اعزام می‌شود. در اعلامیه‌ی دفتر شورای امنیت ملی آمده است که این هیأت براساس حکم رییس‌جمهور اشرف غنی تعیین شده و ریاست آن را محمدحمید طهماسی، سرمفتش نظامی این دفتر در امور سرقوماندانی اعلی قوای مسلح بر عهده دارد. دفتر شورای امنیت ملی از ساکنان غور

خواستار است که خون‌سردی‌شان را حفظ کرده و در بررسی این قضیه با هیأت اعزامی از کابل، همکاری کنند. عزت‌الله بیگ، عضو شورای ولایتی غور روز پنج‌شنبه (۲۵ جدی) در درگیری با نیروهای امنیت ملی در شهر فیروزکوه، مرکز این ولایت کشته شد. ریاست عمومی امنیت ملی در خبرنامه‌ی گفته بود که او در درگیری با نیروهای قطعه ویژه‌ی امنیت ملی پس از آن کشته شده که به‌جای «تسلیم‌شدن»، اقدام به تیراندازی بر این نیروها کرده است. ولایتی به دلیل اختلافات ذات‌البینی،



ناکارآمدی سیستم‌های آموزشی افغانستان در تولید محتوای صلح‌آمیز

حسین‌علی کریمی

دو دهه گذشته که فرصت نفس‌کشیدن و قدرافراشتن پیدا کرد در زمینه صلح‌سازی در جامعه توجه چندانی نشان نداده است. استادان و دانشکده‌های شرعیات ما با محتوای ثقافت اسلامی بیش از آن که مدارا، همدیگرپذیری و صلح را آموزش دهند، افراط‌گرایی و خشونت را محور آموزش قرار داده‌اند. این موضوع را می‌شود از رشد افراط‌گرایی در میان دانشجویان دانشگاه‌های افغانستان، به‌خصوص دو دانشگاه کابل و ننگرهار به خوبی مشاهده کرد. دانشجویان معترض در سال ۲۰۱۵ در ننگرهار، پرچم داعش و طالب را برافراشتند. هرچند عمل آنان مورد نکوهش قرار گرفت اما بیانگر واقعیت تلخ ناکارآمدی آموزش عالی در افغانستان بود.

یک موضوع اساسی که فرایند صلح‌سازی را همه روزه در افغانستان به چالش می‌کشد، زمینه‌های اجتماعی تولید خشونت است. این زمینه‌ها در قالب فرهنگ، زبان، روابط اجتماعی و امر روزمره، پیوسته مفهوم صلح را تهدید می‌کنند. نقطه‌ای که دقیقاً سیستم آموزشی ما باید وارد می‌شد و مسئولیت اجتماعی خود را ایفا می‌کرد. متأسفانه، نظام‌های آموزشی ما بیشترین تمرکزشان بر امر آموزش بوده است. یعنی تلاش‌شان این بوده که شاگردان و دانشجویان را مورد آماج اطلاعات و مفاهیم مختلف قرار دهند. گاهی این اطلاعات و مفاهیم در تضاد با یکدیگر بوده، طوری که

عاجز از ایجاد یک ساخت معنادار بوده است. این‌که این اطلاعات و مفاهیم چقدر مطابق با نیازهای جامعه و دانشجویان بوده و در زندگی واقعی آنان کاربرد داشته، بحثی است جداگانه که خارج از موضوع این نوشته است. در این بمباران آموزشی ما از آن غفلت کردند، توجه به امر پرورش افراد بوده است. مهارت‌های زندگی، همدیگرپذیری، احترام‌گذاشتن، رعایت اصل احترام به قانون، مسئولیت‌پذیری، صلح‌خواهی و موارد بسیاری را می‌توان برشمرد که معطوف به امر پرورش می‌شوند و جای‌شان در درون محتوای نظام‌های آموزشی ما خالی است. بلایی که سیستم‌های آموزشی ما بر سر دانشجو و دانش‌آموز آورد، این بود که خلاقیت و تخیل آنان را از بین برد. ما پس از دو دهه سرمایه‌گذاری با نسلی روبه‌رویم که فاقد اندیشه، تحلیل و تفکر انتقادی است. نسلی که بی‌گمان باید بزرگ‌ترین سرمایه و منابع ما می‌بود اکنون فاقد عاملیت و تفکر در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. حقیقت این است که نظام آموزش و پرورش و تحصیلات عالی افغانستان چنین از قافله صلح‌سازی بسیار عقب است. به این معنی که برون‌داد این دو نهاد اگر برخلاف جریان صلح‌خواهی نباشد آن را تقویت نمی‌کند. حقیقت این است که نظام آموزش و پرورش و تحصیلات عالی افغانستان

از تشخیص نیازهای جامعه و دانشجویان عاجز است. دانش تولیدشده در نظام‌های آموزشی ما کاربردی نیست و مهم‌تر از همه این‌که از تولید محتوای پرورشی همچون صلح‌سازی غافل بوده است. برون‌داد این دو نهاد اگر بر خلاف ادعای صلح‌خواهی جامعه نباشد آن را تقویت نمی‌کند.

در روند صلح کلمبیا، نهادهای مختلفی از جمله دانشگاه ملی کلمبیا، نقش اساسی را برای به‌وجودآوردن گفت‌وگو صلح داشتند. دانشگاه ملی کلمبیا نمونه موفق از نهادی است که در خدمت صلح یک جامعه، تلاش‌های نتیجه‌بخشی انجام داده است. این دانشگاه، با درک واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و نیازهای جامعه به صلح، بستری را برای روایت دردها و زخم‌های جنگ گشود. برنامه‌های مختلفی را در این راستا ترتیب داد. صدای قربانیان جنگ را به صورت گسترده بازتاب داد. به طوری که در روند صلح کلمبیا، حقوق قربانیان جنگ، محور گفت‌وگوهای صلح این کشور واقع شد. زمانی که ارزش‌های جامعه از طریق نهادهای آموزشی آن نهادینه نشوند و نهادهای آموزشی کارکردی بازگونه یابند، چگونه می‌توان انتظار داشت که ما به صلح دست یابیم؟ درست است که آموزش کیمیا، فیزیک، هندسه اهمیت دارد و نظام‌های آموزشی باید به آن توجه کنند، اما برنامه‌های درسی صلح‌محور نیز نیاز جامعه ماست. ما نیاز داریم در یک جامعه متکثر،

چندقومی و پساچنگ یاد بگیریم چطور به باورهای یکدیگر احترام بگذاریم. ما نیاز داریم بدانییم صلح، امنیت و مدارا چیست و چگونه در جامعه تحقق می‌یابد. ما نیاز به درک وسیعی از حقوق بشر و احترام به دیگری داریم. ما نیاز داریم پایه‌های دموکراسی نوپای‌مان روزبه‌روز در مکاتب و دانشگاه‌ها توسط سیستم‌های آموزشی‌مان تقویت می‌شود. اگر ما آنچنان که ادعا کرده بودیم که صلح ضرورت جامعه است، طی دو دهه گذشته باید برای آن برنامه‌ریزی می‌کردیم. اگر چنین کرده بودیم، امروز دانشگاه‌ها و مکاتب‌مان هر کدام پرچم‌دار مبارزه با خشونت و افراط‌گرایی بودند. اما بزرگ‌ترین دانشگاه ما در قلب شهر کابل مورد حمله تروریستی قرار می‌گیرد درحالی‌که این باور وجود دارد که برخی دانشجویان و استادان این دانشگاه در زمینه‌سازی و تحقق این حمله نقش داشته‌اند.

صلح مفهومی است که دربرگیرنده معانی مختلفی است و راه‌های رسیدن به آن هم بسیار متنوع و در مواردی پیچیده است. صلح نبود جنگ نیست، بلکه مقصود از آن، رسیدن به نوعی هماهنگی در تمامی سطوح فعالیت‌ها و تلاش‌های انسان می‌باشد. صلح مفهومی فراتر از احساس آرامش یا فقدان خشونت و یا حتا رفع برخی نیازهای اساسی دارد و می‌توان آن را وجود عدالت، عشق، برابری و یگانگی در تمام وجوه زندگی معنا کرد. بود یا نبود این مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها در ارتباطات فردی، در جوامع بشری و در قوانین حکومتی و نیز در بسیاری جاهای دیگر دیده می‌شود. بنابراین لازم است که صلح نه به‌عنوان یک مفهوم وسیع، بلکه به‌عنوان یک واقعیت ملموس آموخته شود و برای آموزش و ترویج آن از همه‌ی منابع و امکانات استفاده شود. مکاتب و دانشگاه‌ها می‌توانند مسائلی مانند تنوع فرهنگ‌های انسانی، جمعیت، تخریب اکوسیستم و آلودگی، نژادپرستی، جنگ، تروریسم، روابط جهانی و جز این‌ها را برگزینند و برای افزایش آگاهی محصلان و دانشجویان درباره‌ی آن‌ها به بحث و گفت‌وگو بپردازند.

آموزش صلح، معطوف به پرورش است. پرورش جنبه‌هایی از شخصیت و وجود فرد که در آن ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه موجب تغییر رفتار می‌شوند. در این نوع از آموزش افراد یاد می‌گیرند که چطور از خشونت پرهیز کنند، چگونه از ارزش‌های صلح‌آمیز پاسداری کنند. چگونه به حقوق بشر، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی احترام بگذارند و در نهایت در آموزش صلح، افراد چگونگی همزیستی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر تجربه می‌کنند. از برآیند چنین آموزشی، فرهنگ مبتنی بر صلح و صلح‌خواهی تولید می‌شود.

چندین دهه که است که شعار می‌دهیم به صلح نیاز داریم و صلح ضرورت جامعه است. با توجه به این اصل مهم، انتظار می‌رود که سیستم‌های آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی افغانستان، پیوسته این ادعا را حمایت کنند. یعنی محتوا تولید کنند و افراد جامعه را برای رسیدن به صلح آماده کنند. پرسش اساسی این نوشته این است که چقدر نظام‌های آموزشی ما در راستای صلح‌سازی عمل کرده‌اند؟ آیا آن‌ها در طول دو دهه گذشته توانسته‌اند، محتواهای صلح‌آمیز، مطابق با نیاز جامعه تولید کنند؟

سازمان ملل متحد به‌عنوان روشی پیشگیرانه، دهه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ را دهه بین‌المللی فرهنگ صلح و عدم خشونت نام‌گذاری کرد. در همین راستا یونسکو، ارزش ترویج فرهنگ صلح را چنین معرفی می‌کند «آموزش فرهنگ صلح منجر به پرورش و ترویج اعتقادات و اقداماتی خواهد شد که مردم هر کشور باید متناسب با ساختارهای خاص فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود به آن عمل کنند. عامل اصلی تحکیم این فرهنگ در جامعه تبدیل رقابت‌های خشونت‌آمیز به همکاری‌های مبتنی بر ارزش‌ها و اهداف مشترک است.»

با وجود آن‌که در طول تقریباً دو دهه گذشته نظام آموزشی ما یکی از نهادهایی بوده که بیشترین بودجه را داشته، اما در عین زمان یک از آلوده‌ترین و فاسدترین نهادهای ما نیز بوده است. افشای صدها مکتب خیالی در زمان وزارت آقای فاروق وردک و فساد گسترده در این نهاد، نشان‌دهنده وضعیت اسفبار مدیریت بنیادی‌ترین نظام ما در عرصه آموزش است. سرنوشت فاروق وردک و مکاتب خیالی‌اش هیچگاه مشخص نشد. این در حالی است که به باور یونسکو، «حدود ۳.۷ میلیون کودک فاقد دسترسی به آموزش هستند که ۶۰ درصد آن‌ها را دختران تشکیل می‌دهند.»

در بخش تحصیلات عالی نیز وضعیت بهتری وجود ندارد. واقعیت این است که وضعیت تولید محتوا و برون‌دادهای دانشگاه‌ها در افغانستان فاجعه‌بار است. کیفیت پایین مواد و محتواهای درسی، به‌روز نبودن و ناکارآمدی محتواهای تولیدشده، متدهای تدریس فرسوده، چپ‌ترحموری، فضاهای آموزشی نامناسب و فاقد استندرد و در نهایت فساد در نظام‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی موجب شده که در طول دو دهه گذشته، افغانستان تنها به‌لحاظ کمیت در عرصه آموزشی رشد کند. بزرگ‌ترین مشکل این است که محتواهای تولیدشده با واقعیات جامعه در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی هم‌خوانی و مطابقت ندارد. به این معنی که سیستم‌های آموزشی ما هر کدام مسیر خودشان را می‌روند.

سیستم آموزش عالی افغانستان در طول

هزارگانه‌ی، روستانشینان در ولایت‌های مختلف کشور، به رسم اعتراض نسبت به عملکرد حکومت به مرکز ولایات می‌آیند و ندای دادخواهی خود را بر در مقام‌های محلی سر می‌دهند. ناراضی‌گی گاه و بی‌گاه روستانشینان از موضوعات مختلف به‌ویژه نامنی و کشته‌شدن در حملات نظامی داخلی و خارجی سال‌هاست یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های این قشر است. یکی از موضوعات مهمی که استراتژیست‌های سیاسی-امنیتی حکومت و کنش‌گران سیاسی-اجتماعی طبقه شهری تا به‌حال به آن کمتر توجه داشته‌اند، ناراضی‌گی روستانشینان از حکومت و پیامدهای ناگوار آن است. نگارنده به این باور است از آن‌جایی که اکثر رسانه‌ها نیز به دلایل مختلف بازتاب‌دهنده دغدغه‌های طبقه شهری بوده‌اند، مسأله روستاییان همواره به حاشیه رفته است و دادخواهی‌شان ثمربخش نبوده است. ساده‌انگاری ناراضی‌گی روستاییان از عملکرد حکومت و عدم توجه به نازکی این مسأله در درازمدت به ضرر حکومت و طبقه شهری تمام خواهد شد. تاریخ‌نویسان و تحلیل‌گران بسیاری تا به‌حال خاطرنجی روستاییان از حکومت را یکی از دلایل اصلی فروپاشی حکومت‌های مرکزی و ضربه‌دیدن طبقه حاکم دانسته‌اند. افغانستان‌شناس مشهور الیویه رواد، یکی از کسانی است که همواره بر شکاف بین شهر و روستا تأکید کرده است و جنگ افغانستان را جنگ کشاورزان خرده‌پا خوانده

فراموشی روستا در نظام دولت‌شهری

عزیز نیکباز، روزنامه‌نگار

است، می‌گوید: «... در روستاها، تأسیسات اداری دور از محل سکونت روستاییان قرار دارند، لباس و رفتار و سکنات مقامات دولتی و نیز گفت‌وگوهای روزمره‌ی آن‌ها با مردم عادی تفاوت دارد. دولت همیشه چیزی غیر از مردم روستایی بوده و میان روستایی و کارمند، تحقیری استوار و متقابل برقرار است.» قسیم اخگر روزنامه‌نگار افغان نیز بر این واقعیت دست گذاشته است و شکاف بین شهر و روستا را یکی از موانع نهادینه‌شدن دموکراسی می‌داند. اخگر می‌نویسد: «واقعیت این است که دموکراسی و ارزش‌های منبعث از آن، هنوز جنبه‌ی شهری دارد و روستاییان کشور ما که اکثریت هستند؛ از آن بی‌خبرند و اگر نشانه‌هایی از آن‌را می‌بینند؛ در عملکرد ادارات و ارگان‌هایی است که از شهر صادر شده است و اغلباً به فساد و رشوه و بداخلاقی و تفرعن و اشراف‌منشی شهره‌اند. این در حالی است که نه دولت و نه احزاب سیاسی و نه نهادهای جامعه‌ی مدنی، برنامه‌ای برای آگاهی‌بخشی در دست دارند. متقابلاً دشمنان و مخالفین دموکراسی همه‌چیز را در اختیار دارند. دولت روستا را از طریق متنفذین، ملک‌ها و گماشتگان خودش می‌شناسد...»

دکتر داوود عرفان، نویسنده و کارشناس مسائل سیاسی تنها کسی است که در یک مقاله علمی مفصل زیر عنوان «شورش پنهان؛ بررسی تأثیر شکاف شهر-روستا در تحولات سیاسی و برنامه‌های توسعه‌ی افغانستان» بر سر این مهم انگشت گذاشته و آن را به تحلیل گرفته است. او در جایی از مقاله خود می‌نویسد: «روستا نماد فقر، عقب‌ماندگی و عقده‌های تاریخی در افغانستان شمرده می‌شود. تقریباً تمام نیروهای افراطی افغانستان، از روستاها برخاسته‌اند. زندگی روستایی همراه با ذهنیت قبیله‌ای، جنگ پنهانی را علیه شهر آغاز کرده است که در توجهات ایدئولوژیک تجلی یافته است. مظاهر شهری همیشه برای روستاییان افغانستان، نمادهای ویرانگر سنت‌های بدوی بوده است. از این منظر در ضمیر ناخودآگاه روستایی افغانستان، نفرت از مظاهر شهری وجود داشته است. این نفرت به‌صورت ناخواسته با دفاع از دین علیه تمام مظاهر شهرنشینی، با گلوله پاسخ داده شده است.» برآوردهای رسمی حکومت افغانستان نشان می‌دهد که ۷۱ درصد جمعیت کشور در روستا زندگی می‌کنند و حدود ۶۷ درصد کل جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهد.

خاطرنجی روستاییان در تاریخ معاصرمان به مثابه یک تهدید بالقوه علیه طبقه حاکم شهری، بر شکنندگی حکومت مرکزی افزوده و زمینه را برای سوءاستفاده گروه‌های شورشی جهت جذب نیروی جنگی مساعد ساخته است. از سوی دیگر، ناکامی حکومت در عدم ارائه خدمات و انکشاف متوازن برای روستاییان و در بسیاری از موارد نیز برای طبقه پایین‌شهری هرروز شکاف بین شهر و روستا را بیشتر کرده است. از سویی، اشتباه در حملات نظامی و نقض امنیت انسانی روستاییان، مشروعیت نیم‌بند حکومت را زیر سوال می‌برد. فهم تجربی‌مان نشان می‌دهد که روستاییان به‌مراتب بیشتر از شهری‌ها از حکومت ناراض هستند ولی رسانه‌ها، نمایندگان مردم در شورای ملی و حکومت کم‌ترین برنامه‌ها را برای شنیدن و بازتاب ناراضی‌گی روستاییان در دست دارند و ناراضی‌گی روستاییان در درازمدت، امنیت انسانی شهرنشینان و طبقه متوسط شهری و طبقه حاکم را تهدید خواهد کرد. سهیم نبودن روستاییان در مسائل امنیتی-سیاسی کشور در این چندسال یکی از خلاهای جدی در کسب مشروعیت حکومت است. تعامل حکومت با رهبران قومی-سیاسی،

ملک‌ها، قریه‌دارها و ولسوال‌ها و نادیده گرفتن مستقیم نیروی انسانی عمدتاً جوان روستایی، کماکان یکی از خلاهای حکومت‌داری به شمار می‌رود. نادیده گرفتن نیروی جوان روستایی و نبود برنامه برای جهت‌دهی این نیرو، ناراضی‌گی این قشر را به مرور زمان در قالب مسلحانه متبلور خواهد کرد. این خطر بالقوه در حالی است که از سویی هنوز نگاه حکومت به جنگ و منازعه جاری، عملاً تک‌بعدی است و لایه‌های پیدا و پنهان (جامعه‌شناختی) جنگ و تشدید خشونت و بازنگری علل مختلف آن در دستور کار اتاق فکر جنگ و صلح حکومت نیست. در گروه‌بندی دولت‌های شکننده و امنیت انسانی بحثی وجود دارد زیر عنوان «شاخص‌های امنیت انسانی؛ عملکرد حکومت در چهار حوزه اقتصادی، وضعیت بهداشت، میزان مرگ و میر (امید به زندگی) و میزان تحصیلات» که تأمین و یا عدم تأمین نیازهای این حوزه‌ها از سوی حکومت رابطه معناداری با تشدید و یا کاهش خشونت‌ها و منازعات دارد. ناکارایی حکومت در عدم تأمین نیازهای اساسی روستاییان و بی‌توجهی به روستاها در درازمدت جرقه‌های بی‌ثباتی بیشتر شهرها، گسترش خشونت و تضعیف روزافزون اعتماد عمومی را می‌زند و پایداری خشونت را فراهم می‌کند و آن‌جاست که حکومت عملاً با یک نیروی اجتماعی ناراض دیگر روبه‌رو خواهد شد که مهارش به‌شدت دشوار است و افغانستان شاهد یک منازعه کلان دیگر خواهد بود.



مرز ایران؛

تجاوز جنسی بزرگ‌ترین خطری که زنان و کودکان پناهجو را تهدید می‌کند (۴)

هاله گونولتاش، روزنامه‌گزنه دووار برگردان: علی‌رضا یاسا

این قسمت روایت بزرگ‌ترین خطری است که زنان پناهجو و فرزندان آن‌ها را تهدید می‌کند: آزار و اذیت جنسی. تجاوز جنسی دو مأمور امنیتی مرکز بازگشت مهاجران در شهر وان بر یک زن ایرانی، که تلاش شده بود پس از تجاوز آن زن را در فهرست افراد فرستاده‌شده نشان داده شود، درحالی‌که او را در همان مکان تنها نگهداشته بودند.

اگرچه عبور از مرز ایران به‌دلیل شیوع ویروس کرونا کاهش چشم‌گیر یافته است، اما پناهجویان در شهر و ولسوالی‌های وان از دریافت خدمات بهداشتی پرهیز می‌کنند. دکتر حسین یابویج رییس اتاق پزشکی وان-هاکاری می‌گوید: «همانند سایر نقاط ترکیه، از آمار پناهجویان مبتلا به ویروس کرونا در وان هیچ اطلاعی در دست نیست.»

یابویج تأکید می‌کند که درخواست هیچ پناهجوی غیرسوری که تحت حفاظت بین‌المللی قرار دارند و به‌جز موارد رویدادهای ترافیکی و حالات تولد و بیماری کودکان در وزارت بهداشت و بیمارستان‌های دانشگاهی (دولتی) ثبت نشده است. آن‌ها به‌این دلیل به مراکز بهداشتی مراجعه نمی‌کنند که مبادا دست‌گیر شوند و آن‌ها را به اجبار به کشورشان برگردانند. این کار خطرات جدی برای سلامتی پناهجویان محسوب می‌شود.

هم‌زمان با مشکل بهداشتی بزرگ‌ترین خطری که به‌خصوص زنان و کودکان مهاجر را تهدید می‌کند خشونت، تجاوز و آزار جنسی است. با تعدادی از پناهجویان سوری که به ویروس کرونا مبتلا هستند و می‌توانند حرف بزنند (ترکی صحبت کنند) در خانه‌های‌شان از بیرون پنجره با آن‌ها صحبت می‌کنیم.

طبق آمار اداره مهاجرت به تعداد ۱۶۹۸ پناهجو اجازه اقامت یافته و در شهر وان زندگی می‌کنند.

پناهجویان سوری در این شهر با داشتن حق حفاظت موقت می‌توانند از خدمات بهداشتی رایگان بهره‌مند شوند. با این‌حال بزرگ‌ترین مانع استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی برای این پناهجویان، ناتوانی مکالمه به زبان ترکی است. در حال حاضر بیش از ۲۵۰ نفر از پناهجویان سوری در زیر خیمه‌هایی زندگی می‌کنند که به‌دلیل تخریب خانه‌ها به اثر زلزله در سال ۲۰۱۱ در منطقه سیران‌تپه شهر وان بنا شده بود. آن‌ها در هر خانواده حداقل ۵ فرزند دارند. وقتی به این محل می‌رویم پی می‌بریم که ۲۷ نفر در این‌جا آلوده به ویروس کرونا بوده که ۱۲ نفر آن‌ها در بیمارستان‌ها پس از تداوی مرخص شده‌اند. آزمایشات برای اطمینان از عدم آلوده بودن آن‌ها پس از درمان نیز به پایان رسیده است.

از پشت پنجره‌ی خانه‌های آن‌ها با کسانی که قادر به گفت‌وگو به زبان ترکی هستند، صحبت می‌کنیم. توضیح می‌دهند که به‌دلیل نبود مترجم در بیمارستان‌ها مشکلات جدی در روند درمان و استفاده از دارو داشته‌اند. تعداد بیماری‌هایی که به‌دلیل مشکلات اقتصادی و یا هم مشکلاتی که در بیمارستان‌ها داشته‌اند روند درمان را در خانه سپری می‌کنند.

اداره مهاجرت شهر وان پناهجویان را ثبت نمی‌کند

اگر پناهجویانی قادر شوند از مرز ایران به داخل ترکیه وارد شوند، و در این مسیر توسط پولیس گرفتار نشده باشند، حق این را دارند که به اداره‌های مهاجرت ولایت‌ها مراجعه و درخواست پناهنده‌گی‌شان را ثبت کنند. اما از یک سال به این‌سو اداره مهاجرت ولایت وان به درخواست پناهجویان جواب منفی داده و آن‌ها را به سایر ولایت‌ها راجع می‌سازند. با پرس‌وجو متوجه می‌شویم که اداره مهاجرت هیچ پناهجویی را ثبت نمی‌کند.

ترجمه

نتواند شغلی برایش دست‌وپا کند، به امید ادامه زندگی خود و خانواده‌اش مجبور به نقل مکان به شهرهای بزرگ‌تر است. البته اگر توسط نیروهای امنیتی شناسایی شود که در خارج از ولایتی به سر می‌برد که در آن ثبت شده است، ابتدا به شهری که ثبت شده باز گردانده شده، و سپس به مرکز بازگشت برای اخراج از کشور فرستاده می‌شوند.

از یک‌سال به این‌سو بیمه بهداشت فعال نیست

برای بهره‌مندی رایگان از خدمات بهداشتی (بیمه رایگان بهداشتی)، اشخاصی که کارت هویت موقت دارند، نظر به قانون حفاظت بین‌المللی و قواعد مربوطه‌شان، باید هم‌زمان با درخواست آن‌ها حفاظت امنیت اجتماعی (SGK- Sosyal Güvenlik Kurumu) برای‌شان به‌حالت فعال در بیاید. اما یک‌سال است که پناهجویان از این خدمات بهره‌مند نیستند

این نقص در اجرائات مشکلات جدی بهداشتی را برای پناهجویان به همراه داشته است، مخصوصاً زنان و کودکان در صورت مریضی در بیمارستان‌ها پذیرفته نمی‌شوند، اگر هم پذیرفته شوند باید مبلغ گزافی بپردازند.

به‌دلیل نگرانی از برگشت اجباری از خدمات بهداشتی استفاده نمی‌کنند

حسین یابویج رییس اتاق بهداشت وان اظهار داشت که پناهجویان با مشکلات جدی بهداشتی روبه‌رویند، و زنان باردار و کودکانی که در وضعیت بد بهداشتی قرار داشته باشند، به‌دلیل این‌که ثبت نشده‌اند و مکان ثابت‌شان هنوز مشخص نیست بسیار به‌ندرت درخواست خدمات بهداشتی می‌کنند. یابویج می‌گوید دلیل اصلی این پناهجویان که به مراکز بهداشتی مراجعه نمی‌کنند این است که آن‌ها هنوز در مسیر مهاجرت قرار دارند و از این‌که به اجبار برگشته‌اند شوند در هراس‌اند.

پناهجویان سوری که دارای وضعیت حفاظت موقت‌اند، به دلیل نداشتن مترجم به زبان مادری‌شان نمی‌توانند از خدمات لازم بهداشتی به درستی استفاده کنند. ندانستن زبان چالش بزرگی در افهام و تفهیم میان دکتر و بیمار است و یکی از دلایل مغالطه در تشخیص بیماری و درمان می‌شود.

در مراکز بازگشت مهاجران خدمات بهداشتی ارائه نمی‌شود

به گفته دکتر یابویج پناهجویانی که گرفتار شده و به مراکز بازگشت اجباری برده می‌شوند تا با عبور از مرز ایران به کشورهای خود باز گردند، نیز با مشکلات جدی بهداشتی روبه‌رویند. پناهجویانی که پس از ماه‌ها سفر و جابه‌جایی به این مراکز آورده می‌شوند، به‌دلیل نبود امکانات و پرسونل بهداشتی، فقط با دیدن درجه تب‌شان با آله ابتدایی حرارت سنج بسنده می‌شود. عدم اتخاذ تدابیر حفاظتی برای کارکنان بهداشتی در این مراکز، سلامتی آنها را نیز به خطر می‌اندازد.

ممانعت پولیس در ترمینال شهر وان

برای کسانی که به واسطه وکیل مدافع از «مرکز برگشت» بیرون می‌شوند و «اجازه سفر» پیدا می‌کنند اولین توقف‌گاه‌شان ایستگاه اتوبوس‌های میان‌شهری است.

وقتی در ساعت‌های ظهر به ترمینال اتوبوس‌ها رفتیم، گروهی از پناهجویان که راهی شهرهای مختلف بودند انتظار حرکت اتوبوس‌ها را می‌کشیدند. آن‌ها می‌توانند به‌صورت قانونی سفر کنند، زیرا «اجازه سفر» از طرف اداره مهاجرت ولایتی برای‌شان صادر شده است.

برای صحبت با پناهجویان کنارشان در سالن انتظار رفتیم، اما پس از لحظه‌ای پولیس از راه رسید و به ما هشدار داد که برای مصاحبه و تصویربرداری از پناهجویان اجازه نامه از مقام ولایت لازمی است. به پولیس می‌گویم ما قصد تصویربرداری و عکاسی نداریم، ما می‌خواهیم با پناهجویان صحبت کنیم. پولیس می‌گوید این هم امکان ندارد، و مأموران امنیتی ترمینال که مربوط به نیروهای امنیتی شهر وان‌اند را صدا می‌زند. تا رسیدن تیم امنیتی مانند یک شهروند در کنار پناهجویان در یکی از صندلی‌های خالی می‌نشینم.

در صندلی‌های بعدی کنارم چهار طفل یک خانواده نشست‌ه‌اند که بین شش تا ده ساله به‌نظر می‌رسند. با مخاطب قراردادن یک خانم پناهجو اسمش را می‌پرسم، او از گفتن اسمش خودداری می‌کند. پدر طفلش را در آغوش گرفته و برای آرام کردنش در اطراف راه می‌رود. خانم برگه «اجازه سفر» و بلیت‌های اتوبوس برای آنکارا را در میان دستانش با فشار نگهداشته است.

زن پناهجو می‌پرسد: «چون با ما حرف می‌زدید پولیس با شما از سر قهر رفتار کرد؟» می‌گویم: «تخیر! به شما ربطی ندارد.» زن پناهجو می‌گوید: «ما ماه‌ها در مرکز برگشت ماندیم، ۱۴ روز قبل ما را در قرنطین گرفتند، تازه بیرون شدیم.» او با بیان «از این‌که شما کنارمان نشست‌ه‌اید می‌ترسم که ما را دوباره گرفتار کنند»، نگرانی‌اش را بیان می‌کند.

برای این‌که به اضطراب او نیزفایم، بلافاصله از کنارش بلند می‌شوم. تیم امنیتی چند دقیقه بعد می‌رسند. برای‌مان می‌گویند در هر قسمت از شهر وان به‌شمول ترمینال عکس‌برداری و یا تماس با پناهجویان «جازه از مقام ولایت شرط» است.

در پاسخ به تماس غیر مستقیم ما با ولایت، پاسخ می‌آید که: «تصمیم ولایت برای عدم تصویربرداری از پناهجویان» واضح است. تیم امنیتی از ما می‌خواهد که ترمینال را ترک کنیم. ما آنجا را ترک می‌کنیم.

تجاوز جنسی بر یک پناهجوی ایرانی در مرکز بازگشت

در کنار خطرهای بهداشتی و عبور از مرز برای زنان و کودکان در راه مهاجرت، بزرگ‌ترین خطر اما خشونت و سوءاستفاده جنسی است. خشونت و سوءاستفاده‌هایی که در کشورهای مبدأ آن‌ها علیه‌شان آغاز شده، در راه فرار و مهاجرت و در کشوری که درخواست پناهندگی می‌دهند همچنان در حال افزایش است.

زنان و کودکان پناهجو در وان با تهدید تجاوز جنسی و سوءاستفاده روبه‌رویند. اخیرا دو مأمور در مرکز بازگشت مهاجران در شهر وان بر یک زن پناهجوی ایرانی به اسم زن تجاوز کردند که این خبر در رسانه‌ها نیز بازتاب یافت. این تجاوز زمانی افتاد که پناهجوی ایرانی به اسم زن، در این مرکز به مأموران در حال توضیح‌دادن شرایط خودش بوده است.

تجاوز جنسی بر زن ایرانی در اتاقش
طبق گفته محمود کاجان وکیل مدافع و عضو

مخالف‌چلانی خوب

— سخیداد هاتف —



غیرسیاسی (نظیر آموزش دانشگاهی)، نبود شفافیت، نبود امنیت، نبود رقابت قانونی، تقلب در انتخابات، قانون‌شکنی، عدم توسعه‌ی متوازن، غارت بیت‌المال و ده‌ها مورد بی‌رسمی دیگر.

تنها مهارتی که در این حکومت خوب پرورده شده، و البته ذره‌ای سود به مردم عادی کشور نمی‌رساند، همان مهارت مخالف‌چلانی است. طرفداران دولت گاهی از این مهارت رییس‌جمهور و تیمش چنان با هیجان سخن می‌گویند که گویی حکومت‌داری خوب معادل با مخالف‌چلانی خوب است. می‌گویند دیدید که رییس‌جمهور فلان چه‌روی قدرتمند یا فلان رهبر حزب را چگونه به سه‌کنجی راند و خانه‌نشین کرد. می‌گویند دیدید که رییس‌جمهور چه‌طور فلان آدم را از قدرت راند و فلان مخالف خود را به دایره‌ی حامیان خود آورد و به کرنش واداشت.

فساد اداری و خویشاوندپروری و اعمال نفوذ سیاسی بر روندهای قانونی و آموزشی و… یا وجود ندارند یا در کمترین حد وجود دارند؛ فعالیت‌های مدنی و رسانه‌ای آزاداند…

این لیست را می‌توان خیلی طولانی کرد و در آن تمام فضایل حکومت‌داری خوب را (با توجه به نمونه‌های موجود آن در جهان) برشمرد. اما برای بحث حاضر دادن چند نمونه کافی است. حال، اگر آن شاخص‌هایی را که برای حکومت‌داری خوب می‌شناسیم در برابر خود بگذاریم و حکومت افغانستان را با آن‌ها بسنجیم، چه عناصری از حکومت‌داری خوب را در این حکومت می‌یابیم؟ آنچه در این حکومت برجسته است این‌هایند: فساد گسترده‌ی مالی و اداری، استفاده از معیارهای قومی به جای سنجه‌های تخصصی و شایسته‌گزینی، خویشاوندپروری و باندبازی، اعمال نفوذ سیاسی بر روند کار در حوزه‌های

یکی از عبارت‌های مورد علاقه‌ی رییس‌جمهور فعلی افغانستان «حکومت‌داری خوب» است. حداقل، این عبارت را در این حکومت بیشتر می‌شنویم. لازم نیست کسی در رشته‌ی علوم سیاسی درس خوانده باشد تا تعریف جامع و مانعی از حکومت‌داری خوب پیدا کرده باشد. هر فرد اهل تأملی می‌داند که حکومت‌داری خوب چیست. در حکومتی که خوب گردانده می‌شود، شفافیت در کار حکومت و حاکمان اصل است؛ مردم در امنیت زندگی می‌کنند؛ همه در برابر قانون برابرند؛ به حقوق شهروندی افراد احترام گذاشته می‌شود؛ آزادی بیان، حفاظت و رعایت می‌شود؛ استقلال قوه‌ی قضائیه برقرار است؛ امکان رقابت قانونی و آزاد میان شهروندان وجود دارد و تشویق می‌شود؛ برنامه‌های توسعه و بهسازی متوازن در سراسر کشور اجرا می‌شوند؛ انتخابات سالم و دموکراتیک در مواقع معین برگزار می‌شود؛

گزارش



حکومت موقت؛

کارشناسان چه می‌گویند؟

طرفداری خواهند کرد: «به‌خصوص اگر شورای عالی مصالحه همچون پیشنهادی را پیشکش کند یا از دوحه چنین پیشنهاد بیرون شود و طالبان با هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان به این فیصله برسند که راه حل بهتر یک حکومت موقت است، هم جامعه جهانی و هم نیروهای سیاسی در داخل افغانستان از آن حمایت خواهند کرد.»

دکتر کریم پاکزاد، پژوهشگر در بنیاد مطالعات بین‌المللی و استراتژیک فرانسه در گفت‌وگو با اطلاعات روز، با اشاره به ماهیت جنگ افغانستان که اگرچند پس از ۲۰۰۱ م، یک طرف نیروهای امریکایی بوده، اما این جنگ جاری ادامه جنگ‌های داخلی است که «در گذشته با پیچیدگی قومی، مذهبی و سیاسی» وجود داشته و اکنون نیز پایان این جنگ یک راه حل دارد: «بدون یک راه حل اساسی در قالب یک حکومت موقت ممکن نیست. اگرچه دو طرف مذاکره‌کننده از حکومت موقت هراس دارند و منافع خود را در آن نمی‌بینند، اما حکومت موقت تنها فرصت حل بن‌بست سیاسی و پایان جنگ افغانستان است. چنان‌که تجربه همه کشورهای درگیر جنگ‌های داخلی نشان می‌دهد که بدون تشکیل حکومت موقت زمینه حل سیاسی منازعه ممکن نبوده است.»

ارگ در انتظار چراغ سبز واشنگتن

عمر صمد، پژوهشگر در شورای اتلانتیک و سفیر پشین افغانستان در بلجیم در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید، به نظر می‌رسد در داخل افغانستان هنوز در مورد صلح و تحولات پس از آن وحدت نظری وجود ندارد: «هنوز روی میکانیزم صلاحیت‌ها به توافق نهایی نرسیده‌اند و ارگ در انتظار چراغ سبز واشنگتن است.»

آقای صمد می‌گوید که اگر اراده و نیت صادقانه برای صلح وجود داشته باشد، به یک قاموس و روایت دیگر ضرورت دارد: «تدریجاً زمینه اعتمادسازی را بیشتر سازد و راه را برای حل مناقشات و منازعات هموار کند، نه عکس آن.»

ادریس رحمانی در این زمینه می‌گوید، رییس‌جمهور غنی در ارگ به‌جای این‌که به صلح فکر کند به ادامه قدرت خودش می‌اندیشد: «آقای غنی اصلاً به دنبال صلح نیست، بلکه به دنبال تداوم قدرت خودش است.»

نظیف شهرانی نیز سخن رییس‌جمهور غنی را که بر انتقال قدرت از طریق انتخابات تأکید کرده، به معنای تأکید و تلاش برای در قدرت ماندن می‌داند: «آقای غنی بهانه‌هایی می‌تراشد تا موقف فعلی خود را در قدرت از دست ندهد. این‌که امیدوار است تا قدرت را تنها به یک حکومت منتخب تحویل بدهد، معنایش این است که مدت زمانی که از ریاست جمهوری‌اش مانده، را از دست ندهد.»

هنوز روشن نیست که در دور دوم مذاکرات آجندای اصلی چیست، اما قبلاً برخی از اعضای هیأت مذاکراتی افغانستان گفته است که دور بعدی مذاکرات بر سر تقسیم قدرت است.



دکتر کریم پاکزاد، پژوهشگر در بنیاد مطالعات بین‌المللی و استراتژیک فرانسه

عباس عارفی
گزارشگر

دور دوم مذاکرات صلح بین‌افغانی با بحث روی اجندای گفت‌وگوها پس از یک وقفه ۲۰ روزه، در دوحه آغاز شد. این دور دور در حالی آغاز می‌شود که در کابل بحث پیرامون صلح چندگانه است؛ شورای عالی مصالحه در نشست‌های‌شان روی تهیه رهنمود برای هیأت مذاکره‌کننده کار می‌کنند و بر آزادی عمل و صلاحیت در تصمیم‌گیری هیأت در مذاکرات تأکید دارند، اما در ارگ باور بر این است که طالبان اراده‌ای برای صلح ندارند. رییس‌جمهور غنی در یک مصاحبه اختصاصی با شبکه‌ی تلویزیونی «سی‌ان‌ان» گفته است که «انتقال قدرت از طریق اراده‌ی مردم به جانشین منتخبش از اهداف اساسی او است.»

آقای غنی در حالی از انتقال قدرت از طریق انتخابات سخن می‌گوید که اخیراً بحث روی کارآمدن حکومت موقت یا عبوری در محافل سیاسی داخل کشور داغ شده است و برخی چهره‌های سیاسی در کابل از طرح حکومت موقت حمایت کرده‌اند. چیزی که هنوز طالبان خواستار آن نشده است. چقدر حرف از حکومت موقت جدی است، صاحب‌نظران چه می‌گویند؟

سه گزینه بیشتر وجود ندارد

احمد ادریس رحمانی، کارشناس مسائل سیاسی افغانستان در گفت‌وگو با اطلاعات روز، بر این باور است که از پروسه صلح دوحه سه گزینه بیشتر بیرون نمی‌آید: «یک گزینه این است که دولت به رهبری طالبان شکل بگیرد و سیاستون افغانستان بروند در آن سهم بگیرند، گزینه دیگر این است که طالبان در دولت فعلی افغانستان سهم بگیرند و گزینه سوم این است که دولت سوم بیرون بیاید و هر دو طرف در آن سهم بگیرند که در آن صورت نام آن مهم نیست که حکومت موقت باشد یا حکومت عبوری و هر چیز دیگری.» از نظر آقای رحمانی گزینه سوم تنها راه ممکن و ساده‌تر در شرایط کنونی به نظر می‌رسد.

آقای رحمانی برای امکان طرح و موافقت با حکومت موقت دلایلی دیگری نیز دارد. او می‌گوید سه شخصیتی سیاسی که در رأس شورای عالی مصالحه ملی قرار دارند، هر سه طرفدار حکومت موقت است: «هر سه به تنهایی علاقه‌مندند که حکومت موقت روی کار بیاید. حامد کرزی، عبدالرب‌رسول سیاف و عبدالله عبدالله هر کدام فکر می‌کنند که خودشان بهترین کاندیدا هستند. در عین زمان خودشان هم می‌دانند که طالبان به یک حکومت موقت که به رهبری هر یک از این‌ها باشد، نمی‌پسوندند.»

از نظر آقای رحمانی در نهایت چیزی که احتمالاً اتفاق خواهد افتاد، سازوکاری مدیریت‌شده توسط امریکایی‌ها است: «زلمی خلیل‌زاد چند روز قبل با برخی از چهره‌های سیاسی دیدار داشت. در آینده با تمام سیاستون به شکل انفرادی دیدار خواهد داشت و همه را در یک چارچوب که از قبل توسط امریکایی‌ها برنامه‌ریزی شده، کنار هم قرار می‌دهد و کسانی را که همسو با این پروسه نباشد مثل رییس‌جمهور غنی، به حاشیه بکشاند.»

نظیف شهرانی، پژوهشگر مردم‌شناسی و استاد دانشگاه در اندیانا آمریکا در گفت‌وگو با اطلاعات روز، می‌گوید اگر تمام طرف‌های سیاسی بر این نظر باشند که حکومت موقت به‌حیث یک راه حل در مذاکرات افغانستان به میان بیاید، امریکایی‌ها از چنین طرحی

“

اگرچه دو طرف مذاکره‌کننده از حکومت موقت هراس دارند و منافع خود را در آن نمی‌بینند، اما حکومت موقت تنها فرصت حل بن‌بست سیاسی و پایان جنگ افغانستان است. چنان‌که تجربه همه کشورهای درگیر جنگ‌های داخلی نشان می‌دهد که بدون تشکیل حکومت موقت زمینه حل سیاسی منازعه ممکن نبوده است.

کند» اما نتیجه مثبتی در پی نداشت. دادگاه پشت در بسته برگزار شد.

در پایان جلسه دادگاه، تصمیم گرفته شد که دو مأمور امنیتی مرکز برگشت (متهمان) در توقیف بمانند، و از دیگر مأموران امنیتی این مرکز به‌عنوان شواهد نیز اظهارات گرفته شود. همچنان دادگاه بنا بر درخواست وکیل زن، مبنی بر انتقال او به مکانی دیگر، به دادگاه خانواده نیز مکتوبی نوشت. بعد از حکم دادگاه، اداره مهاجرت شهر وان پس از ماه‌ها خاموشی نهایتاً، برای انتقال زن، به خانه امن با وکیل او تماس گرفت.

اگر وکلا صدای‌شان را بلند نمی‌کردند، و این دعوا را تعقیب نکرده بودند، در اصل به خواست پناهجویی زن واقعی گذاشته نمی‌شد و بدون سروصدا او به کشورش برگشته می‌شد و تا آن زمان او در همان حجره‌ای که در آن مورد تجاوز قرار گرفته بود نگهداشته می‌شد.

در زمانی که در شهر وان بودیم با خبر شدیم که با تصمیم اداره مهاجرت شهر وان، زن، به همراه یکی از اقربانش به کشورش باز گردانده شده است.

تجاوز قاچاقچی‌های انسان به یک زن رواندایی

سال گذشته یک زن رواندایی که از مرز ایران به‌طور غیرقانونی وارد ترکیه شده بود، توسط سه قاچاقچی انسان در حوالی ولسوالی چالدران مورد تجاوز قرار گرفت. این واقعه به دادگاه کشیده شد. بنا بر حقیقت اظهارات زن رواندایی یک قاچاقچی انسان دست‌گیر شد، و دیگران هنوز فراری است که دادگاه حکم توقیف آن‌ها را صادر کرده است.

کانون وکلا و ان از ادارات مربوطه درخواست آدرس و مشخصات زن رواندایی را کردند، اما به جواب این درخواست گفتند «هیچ شخصی با این اسم ثبت نشده است». در مورد عدم دسترسی به اطلاعات در مورد آن پناهجوی رواندایی، محمود کاجان وکیل مدافع می‌گوید «فکر می‌کنیم به احتمال زیاد او رد مرز شده است.»

بدنام‌سازی و تهدید زنان مهاجر از طریق انستاکرام

همچنان محمود کاجان وکیل مدافع خبرافزایش سوءاستفاده و خشونت علیه زنان مهاجر را که در روزهای اخیر به‌بخش زنان در کانون وکلا رسیده است، با ما شریک می‌کند. او می‌گوید: «هردانی از طریق حساب انستاکرام زنان پناهجو را هدف قرار داده و با سیاه‌نامی، طوری که اگر زنان پناهجو به درخواست‌های جنسی آن‌ها جواب رد دهند، با تهدید «رد مرز» روبه‌رو می‌شوند، از آن‌ها سوءاستفاده جنسی می‌کنند. با این ترفند چندین زن قربانی وجود دارد. آن‌ها خودشان با وکلائی خانم صحبت کرده‌اند، اما این زنان پناهجو از درج شکایت خودداری می‌کنند. ما روی این موضوع کار می‌کنیم. اگر بتوانیم زنان قربانی را متقاعد کنیم، این قضیه را با جزئیات در یک پرونده جمع‌آوری کرده، به دادستانی کل جمهوری برای پی‌گیری خواهیم فرستاد.»

آقای کاجان می‌گوید ما مدام با قضایای خشونت جنسی و تهدید علیه زنان پناهجو روبه‌رو می‌شویم، اما این زنان همیشه فرصت این را ندارند که دردشان را بیان کنند و یا صدای‌شان را به گوش مسئولان برسانند.

تحلیل

خلیلی را در تلویزیون ملی قطع کرد (یعنی تو باید مجازات شوی) و حاجی محمد محقق را مشاور ارشد سیاسی و امنیتی خود ساخت. تمام کار حکومت شده همین بازی‌ها. آیا حکومت‌داری خوب همین است؟ آیا مهارت در مخالف‌چلانی و بازی‌گردانی‌های کوچک مقطعی برای شهروندان مملکت سودی خواهد رساند؟ آیا آینده‌ی این کشور با این بشکن و بیندهای خرد روی بهبودی خواهد دید؟

بعضی می‌گویند رییس‌جمهور غنی با ناتوان کردن رقیب و مخالفان سیاسی خود «برنامه‌ها»ی خود را به پیش می‌برد. کدام برنامه‌ها؟ چرا ما از پی این همه بازی طرفه که او می‌کند هیچ تغییر مثبتی در زندگی مردم نمی‌بینیم؟ واقعیت این است که برای خود اشرف غنی نیز رفته-رفته مخالف‌چلانی خوب به وظیفه‌ی اصلی تبدیل شده و حکومت‌داری خوب از صحنه خارج شده است.

کانون وکلائی مهاجرت و پناهندگی بعد از جایجایی زن، در یک اتاق تک‌نفری در بخش زنانه که ورود مردان در آن ممنوع است، دو نفر از مأموران امنیتی بر او تجاوز کردند. زن، از ترس صدایش را هم بلند نکرده بود، اما در اولین فرصت در صحبت با ترجمان از این‌که دو بار بر او تجاوز شده، خبر می‌دهد.

اظهارات آن‌ها ثبت و به دادستانی فرستاده شد. در نتیجه تحقیقات ورود مأموران امنیتی در بخش ممنوعه بدون هیچ وضعیت اضطراری که توسط دوربین‌های امنیتی ثبت شده بود، اثبات گردید.

بقایای DNA مأموران امنیتی پیدا شد

در پایان تحقیقات ذره‌بینی DNA یکی از آن دو مأمور امنیتی در بقایایی که در لباس زیر زن مانده بود مطابقت داشت.

اظهارات زن، درست بود. دادستانی به اتهام «تجاوز جنسی» علیه هر دو مأمور امنیتی پرونده باز کرد. مأموران امنیتی ادعا کردند که زن، دعوا می‌کرد، موهای خودش را می‌کند، و آن‌ها تلاش کرده‌اند مانع او از ضرر رساندن به خودش شوند. اما تصاویر دوربین‌های امنیتی این ادعای آن‌ها را دروغ ثابت کرد. هر دو دست‌گیر شدند.

اما مشکلی پیش آمد. زن، در زمان طی مراحل این پرونده غیب شده بود. اعضای کانون وکلائی مدافع وان، که به‌صورت رضاکار در این پرونده همکاری می‌کردند، در زمان شروع تحقیقات، هنگام گرفتن اظهارات زن برای حمایت از او، به آن زن جوان دسترسی پیدا نکردند.

در جایی که بر او تجاوز شده بود ماه‌ها نگهداری می‌شد

آن‌ها از مقامات هیچ پاسخی دریافت نمی‌کردند. اعتقاد بر این بود که او با مشکلاتی که مواجه شده، مجبور به برگشت به وطن‌اش شده است. اما با این حال این باور وجود داشت که با غیاب زن، این پرونده طی مراحل شده به پیش خواهد رفت. اما در روز محاکمه بر خلاف انتظار، وکلا با دیدن زن حیرت زده شدند. او در سالن انتظار تحت نظر قرار داشت. او نرفته بود و نه فرار کرده بود!

پس از اندکی مشخص شد که او ماه‌هاست در همان مرکزی که مورد تجاوز قرار گرفته بود در بازداشت‌داری قرار داشته است. با وجود این‌که صدمه بزرگی بر او وارد شده بود اما به هیچ مرکز درمانی و یا به‌جای دیگر منتقل نشده بود. مثل این‌که مجرم باشد، بدون هیچ اطلاعی از او، به اجبار در این‌جا نگهداشته شده بود.

کانون وکلائی شهر وان درخواست اشتراک در این محاکمه را داشت، اما از سوی دادگاه مجازات‌های سنگین (دادگاه ذی‌صلاح) این درخواست رد شد.

به‌جز وکیل که از قبل مشخص شده بود، به هیچ وکیل دیگری اجازه ورود به دادگاه داده نشد. نمایندگان رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی هم به دادگاه راه داده نشدند.

محکمه با استناد به شرایط اپیدمی (ویروس کرونا) این تصمیم را گرفته بود. اما با این حال یک گروه پولیس مسلح که مأموران امنیتی مرکز برگشت مهاجران (نهمان) را آورده بودند، همه‌بهم در داخل سالن منتظر ماندند.

هر چند وکلا بر این وضعیت اعتراض کرده گفتند «یک قربانی تجاوز چگونه می‌تواند در میان این همه از مردان داستانش را تعریف

این ذوق‌زدگان به این نمی‌اندیشند که میان مردم و حکومت در یک کشور قرار برقرار است و بازی دادن رقیبان و حذف مخالفان و فتنه افکندن میان احزاب و افراد بخشی از این قرار نیست. مردمی که امنیت ندارند، چه سودی می‌برند از این که اشرف غنی توانسته عظامحمد نور، والی بلخ، را فریب دهد؟ برای کسی که فرزندش از ترس به کورس آموزش زبان رفته نمی‌تواند، چه فرق می‌کند که رییس‌جمهور بالاخره موفق شده یکی از افراد قبیله‌ی خود را والی فلان ولایت کند و والی قبلی را از مسند قدرت محلی فرو اندازد؟

مدتی قبل رییس‌جمهور یکی از افراد عظامحمد نور را از وزارت عزل کرد و در همان زمان فرزند مارشال دوستم را به مقامی در حکومت برکشید. سخنرانی محمدکریم

بررسی و بازنگری گزینه‌های نظامی توسط ارتش اسرائیل برای «برخورد احتمالی با ایران»

اطلاعات روز: رییس ستاد ارتش اسرائیل به فرماندهان خود دستور داده است طرح‌های موجود برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران را بازنگری کرده و برای اجرای عملی آنها آماده شوند.

به گزارش رادیو فردا، همزمان اسرائیل برای نخستین بار به حوزه فعالیت سنتکام، ستاد فرماندهی مرکزی امریکا، افزوده می‌شود؛ این فرمان برای تقویت محور اسرائیل و اعراب در رویارویی احتمالی با ایران ارزیابی شده است. این گام‌ها در حالی رخ می‌دهد که دولت اسرائیل خود را برای بروز اختلاف با دولت جو بایدن بر سر ایران آماده کرده و به تیم‌سازی‌های مختلف و تعیین نماینده ویژه برای تعامل با دولت تازه امریکا روی آورده است.

ارائه شود. ماموریت تهیه گزینه‌های نظامی به واحد راهبردی رکن سوم ارتش یا «دایره ایران» و در زمینه تشدید فعالیت هسته‌ای ایران در تناقض با برجام، به فرماندهان نظامی اسرائیل محول شده است.

اسرائیل هیوم، پرتیراژترین روزنامه این کشور و حامی بنیامین نتانیاہو، در صفحه نخست خود افزوده که ارتش در حال کار روی سه گزینه‌ای است که رییس ستاد درخواست کرده و هدف از آن، تضعیف کوشش‌های هسته‌ای ایران یا در صورت لزوم، مقابله عملی با ایران است.

این روزنامه به منبع مشخصی اشاره نکرده، اما به نقل از جنرال بنی گانتز، وزیر دفاع و رییس پیشین ستاد ارتش، نوشته است که اسرائیل «باید» گزینه نظامی حقیقی علیه ایران به روی میز داشته باشد.

رویتز در این زمینه نوشته که اسرائیل از مدت‌ها پیش برنامه حمله به ایران را آماده کرده و روزنامه اسرائیل

هیوم، برای تأکید بر وجود گزینه نظامی و جهت هشدار به ایران، این گزارش را منتشر کرده است.

خبرگزاری رویترز یادآوری کرده است که این نوع هشدارها از سوی اسرائیل در زمان دولت باراک اوباما نیز بارها مطرح شد و برخی مقامات امریکا تردید داشتند که اسرائیل با همه تجهیزات پیشرفته و توان هسته‌ای (نظامی)، بتواند ضربات جدی و اثربخش به برنامه هسته‌ای ایران بزند.

اما جنرال ذخیره اهود باراک، وزیر دفاع پیشین اسرائیل، که در دهه گذشته بارها از احتمال حمله کشورش به ایران سخن گفته بود، روز پنج‌شنبه گفت اگر جو بایدن به برجام بازگردد، حمله اسرائیل به ایران «حتمی» است. آقای باراک در حالی این سخن را بیان کرده که از مخالفان سرسخت بنیامین نتانیاہو در سیاست داخلی اسرائیل است.

شماری از وزیران دولت نتانیاہو در روزهای گذشته ابراز «امیدواری» کردند که دولت جو بایدن سیاست فشار حداکثری بر حکومت تهران را ادامه داده و تحریم‌های سخت و فراگیر علیه ایران را «تا برچیده شدن برنامه هسته‌ای ایران» برطرف نکند.

اما اسرائیل کاتز، وزیر دارایی و یکی از سران اصلی حزب لیکود، روز پنج‌شنبه در مصاحبه با رادیوی ارتش، تأیید کرد که اختلافات دولت اسرائیل با جو بایدن بر سر ایران، چالش‌هایی در مناسبات دو کشور ایجاد خواهد کرد.

الی کوهن، وزیر اطلاعات اسرائیل، نیز در این روز به تلویزیون سایت خبری وای‌نت گفت کشورش مذاکرات غیررسمی با مقامات انتخابی برای دولت بایدن را آغاز کرده تا دولت تازه امریکا را از بازگشت به برجام و نشان دادن نرمش در قبال ایران دور کند.

در حالی که یوسی کوهن، رییس موساد، برای گفت‌وگوی غیررسمی با مقامات دولت بایدن به واشینگتن رفته، رسانه‌های اسرائیل و امریکا نوشته‌اند که بنیامین نتانیاہو برای «جلوگیری از انحراف دولت بایدن» در ارتباط با



پیشنهاد ۱.۹ تریلیون دالری بایدن برای بهبود اقتصادی

رییس جمهوری منتخب امریکا که چند روز بیشتر با ورود به کاخ سفید فاصله ندارد پنجشنبه شب در یک سخنرانی خطاب به مردم و قانونگذاران امریکایی گفت کشور با بحرانی انسانی روبروست و نباید برای پایان دادن به رنج انسان‌ها لحظه‌ای را هدر داد.

او گفت: «نه تنها از نظر اقتصادی حیاتی است که وارد عمل شویم بلکه معتقدم از نظر اخلاقی وظیفه ماست. در میانه این همه گیری نمی‌توانیم بگذاریم مردم گرسنه بمانند یا خانه‌هایشان را از دست بدهند. یا پرستارها و معلم‌هایی را تماشا کنیم که کارشان را از دست می‌دهند آن هم وقتی که اینقدر به آنها احتیاج داریم.» برنامه آقای بایدن برای احیای اقتصادی که «برنامه نجات

اطلاعات روز: جو بایدن رییس جمهوری منتخب امریکا پنجشنبه شب برنامه خود برای احیای اقتصاد کشور که در اثر همه گیری کرونا ضربه خورده را اعلام کرده است. این طرح شامل پرداخت ۱۴۰۰ دالر به هر امریکایی خواهد بود.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، برنامه‌ای با برجسب قیمتی ۱.۹ تریلیون دالر که قرار است از کسب و کارهای خرد و خانواده‌های امریکایی در برابر آسیب‌های گسترده ناشی از همه گیری کرونا حمایت کند.

تعداد قربانیان ویروس کرونا در امریکا تا روز پنجشنبه به مرز ۴۰۰ هزار نفر نزدیک شد و بیش از ۲۳ میلیون امریکایی به این ویروس مبتلا شده‌اند.

همچنین یک کمک مستقیم ۱۴۰۰ دالری به امریکایی‌ها در نظر گرفته شده و ۴۴۰ میلیارد دالر نیز برای کمک به کسب و کارهای خرد اختصاص دارد.

در حالی که روزانه بیش از ۲۰۰ هزار امریکایی به ویروس کرونا مبتلا می‌شوند هفته جاری، یک میلیون امریکایی خواستار مقرری بیکاری شده‌اند که به گفته وزارت کار امریکا از ماه جولای تا کنون بی سابقه بوده است.

طرح آقای بایدن ابتدا نیازمند تصویب کنگره خواهد بود و جمهوری خواهان عموماً از ریخت و پاش‌های پر هزینه دولتی دل خوشی ندارند اما قدرت گرفتن دموکرات‌ها در سنا شانس دولت تازه را برای تصویب این برنامه بیشتر می‌کند.

امریکا» نام گرفته مجموعه‌ای از مشوق‌های اقتصادی و کمک‌های مستقیم است که نزدیک به دو تریلیون دالر ارزش دارد و از جمله شامل کمک‌های نقدی مستقیم، گسترش بیمه بیکاری، کمک هزینه اجاره خانه، کمک هزینه مواد غذایی، کمک به کسب و کارهای کوچک است.

جو بایدن وعده داده که در صد روز اول دولت خود صد میلیون امریکایی را واکسینه کند و حدود ۴۱۵ میلیارد دالر این برنامه برای مقابله با همه گیری است.

در بطن این بخش از برنامه ۲۰ میلیارد دالر برای برنامه واکسیناسیون ملی در نظر گرفته شده و ۵۰ میلیارد دالر برای تست و رصد کرونا.

اداره اطلاعات انرژی امریکا:

درآمد نفتی ایران در ۹ ماه ۲۰۲۰ به ۱۱ میلیارد دالر رسید

دسترسی بانک مرکزی به این منابع نیز «بسیار کمتر» بوده است. بدین ترتیب، متوسط صادرات سالانه نفت ایران طی دو سال اخیر کمی بیش از ۱۰ میلیارد دالر بوده است. البته آمارهای ارائه شده توسط آقای همتی تنها شامل نفت خام است و محصولات نفتی را در نظر نگرفته است.

اداره اطلاعات انرژی امریکا ارزیابی کرده است که پارسال درآمد کل اعضای اوپک از صادرات نفت ۳۲۳ میلیارد دالر شده که تقریباً نصف سال ۲۰۱۹ است.

علت سقوط کل درآمدهای نفتی اوپک به کاهش تولید نفت این مجموعه در سال گذشته، همچنین افت بیش از ۳۰ درصدی قیمت نفت در سال ۲۰۲۰ بر می‌گردد.

اوپک و کشورهای هم‌پیمان به رهبری روسیه پارسال توافق کردند که تولید روزانه خود را ۹.۷ میلیون بشکه کاهش دهند تا قیمت نفت افزایش یابد.

همچنین افت درآمدهای صادراتی نفت ایران و ونزولا نیز در کاهش درآمدهای نفتی اوپک تأثیر چشمگیر داشته

ساعاتی قبل از انتشار گزارش اداره اطلاعات انرژی امریکا، سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک، نیز گزارش سال ۲۰۲۰ را منتشر کرد که می‌گوید تولید نفت ایران در این سال به زیر ۲ میلیون بشکه در روز سقوط کرد و قیمت نفت صادراتی ایران نیز بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته است.

مصرف داخلی نفت ایران روزانه ۱.۷ میلیون بشکه است و بدین ترتیب، جمهوری اسلامی تنها ۳۰۰ هزار بشکه نفت مازاد برای صادرات دارد.

قبل از تحریم‌های امریکا، تولید نفت خام ایران حدود ۳.۸ میلیون بشکه بود که ۲.۱ میلیون بشکه آن صادر می‌شد. ایران همچنین روزانه ۴۰۰ هزار بشکه صادرات میعانات گازی داشت. اکنون کل صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران به ۳۰۰ هزار بشکه افت کرده است.

عبدالناصر همتی رییس بانک مرکزی ایران ۱۸ جدی ماه اعلام کرد، صادرات نفت ایران از ابتدای سال ۹۸ تاکنون (دی ماه) در مجموع کمتر از ۲۰ میلیارد دالر بوده و

اطلاعات روز: اداره اطلاعات انرژی امریکا می‌گوید درآمد خالص صادرات نفت و محصولات نفتی ایران در ۹ ماه سال ۲۰۲۰ تنها ۱۱ میلیارد دالر شده است.

این گزارش که پنجشنبه ۲۵ جدی منتشر شده، می‌گوید، ایران در سال ۲۰۱۹ حدود ۳۰ میلیارد دالر و سال ۲۰۱۸ حدود ۶۷ میلیارد دالر درآمد خالص از محل صادرات نفت و محصولات نفتی داشت.

به گزارش رادیو فردا، بر اساس آمارهای شرکت‌های ردیابی نفتکش‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، از جمله آژانس بین‌المللی انرژی، صادرات روزانه نفت و میعانات گازی ایران به ۳۰۰ هزار بشکه در روز افت کرده است. قبل از تحریم‌های امریکا این رقم ۲.۵ میلیون بشکه بود.

ایران همچنین قبل از تحریم‌های امریکا روزانه حدود ۴۵۰ هزار بشکه صادرات محصولات نفتی (مازوت، بنزین، گازوئیل، گاز مایع و غیره) داشت، اما گزارش تازه‌ای درباره میزان صادرات محصولات نفتی ایران منتشر نشده است.



است.

این گزارش می‌گوید ونزولا در ۹ ماه ۲۰۲۰ تنها موفق به صادرات ۴ میلیارد دالر نفت و محصولات نفتی شده است. این رقم در سال ۲۰۱۹ حدود ۲۷ میلیارد دالر بود.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

zaki.daryabi2@gmail.com

۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

خبر کوتاه

راشفورده:
مورینیو به ما یاد داد
چگونه پنالتی بگیریم

مهاجم منچستر یونایتد در صحبت هایی اعلام کرد ژوزه مورینیو به او و سایر بازیکنان منچستر یونایتد می گفته است چگونه از داور پنالتی بگیرند.

مدتی است بحث پنالتی های زیاد منچستر یونایتد در لیگ برتر به سوژه رسانه ها تبدیل شده است. از زمانی که یورگن کلوپ به صراحت اعلام کرد داورها خیلی برای یونایتد پنالتی می گیرند این موضوع به سوژه داغ در رسانه های بریتانیایی تبدیل شده است.

به نقل از گاردین، مارکوس راشفورده مهاجم منچستر یونایتد نیز به این مسئله ورود کرد و گفت: وقتی مهاجمان یک تیم که سریع هم باشند روی یک خط بازی کنند، فرصت هایی برای نفوذ در محوطه جریمه حریف ایجاد می شود و مدافعان مجبور می شوند با تکل مانع رسیدن بازیکن مقابل به دروازه خودی شوند و این خیلی ساده است که در این مواقع موقعیت پنالتی هم ممکن است به دست بیاید. اما مواردی پیش آمده است که داورها اشتباه کردند و پنالتی ما را اعلام نکردند. یادم می آید وقتی مورینیو سرمربی بود، پنج یا شش بار باید یک پنالتی می گرفتم که داورها این کار را نکردند. مورینیو در پایان به من گفت: «اگر در نحوه انجام این کار زیرکی نداری، پس نمی خواهی آن را انجام دهی.»

پس از آن، شروع به گرفتن چند پنالتی کردیم. این چیزی بود که از نظر پیشرفت شما باید آن را یاد بگیرید و آن را درک کنید. راشفورده معتقد است ارتباطی که با آنتونی مارسیال و برونو فرناندس برقرار کرده است یونایتد را به عنوان تیمی مدعی برای کسب عنوان قهرمانی مطرح کرده است. آکتون یونایتد در صدر جدول لیگ برتر قرار دارد. این سه نفر در هفته های اخیر پیشتاز بوده اند و یونایتد پس از پیروزی یک بر صفر سه شنبه شب برابر برنلی، لیورپول را به عنوان مدافع عنوان قهرمانی در بالای جدول کنار زد تا برای اولین بار بعد از رفتن سر آکس فرگوسن، یونایتد به صدر جدول لیگ برتر برسد. منچستر یونایتد در بازی بعدی خود باید در لیگ برتر به دیدار لیورپول برود.

تاوان شروع بدمان را دادیم
زیدان: چه می خواهید؟ بی خیال فصل بشویم؟

بدمان را دادیم.»
زیدان ادامه داد: «بیلیانو به خوبی پرس می کرد و ما در نیمه اول نمی توانستیم به از لایه های دفاعی این تیم عبور کنیم و عملا کاری انجام نمی دادیم. توپ هایی از دست می دادیم که در حالت طبیعی از دست نمی دادیم.»

می دانم که این شکست تبعاتی خواهد داشت و طبعاً انتقادات به ما زیاد خواهد شد ولی کاری که باید انجام دهیم نگاه رو به جلو است و باید با انگیزه به سمت چالش های بعدی برویم.

تأثیر این شکست روی ادامه فصل؟ چه می خواهید؟ انتظار دارید از حالا پا پس بکشیم؟ اینطور نیست؛ باید بیشتر کار کنیم تا این ناکامی جبران شود. ابتدا کمی استراحت و سپس فکر کردن به بازی

کریم بنزما در دقیقه ۷۳ یکی از گل ها را جبران کرد اما حملات کپکشانانی ها برای زدن گل تساوی نتیجه ای نداشت. به این ترتیب اولین جام فصل برای رئال از دست رفت.

زین الدین زیدان سرمربی رئال در پایان بازی گفت: «نیمه اول بازی دشوار و پیچیده ای شد. دقایق ابتدایی را خوب شروع نکردیم و در بازی خوانی حریف مشکل داشتیم. دو اشتباه فردی باعث شد دو گل دریافت کنیم. آنها ۲ موقعیت داشتند و هر دو هم گل شد. وقتی دو گل عقب می افتد، طبیعی است که کار برای شما دشوار شود ولی نیمه دوم بهتر شدیم و شانس های خوبی خلق کردیم. دو توپ هم به تیر زدیم. به یک گل رسیدیم ولی دومی را نزدیم. در نهایت تاوان شروع



زین الدین زیدان ناکامی رئال در سوپرکاپ را ناراحت کننده دانست ولی عنوان کرد که باید به چالش های بعدی فکر کرد.

رئال مادرید پنجشنبه شب در نیمه نهایی سوپرکاپ اسپانیا بازی را ۲-۱ به بیلیانو باخت و نتوانست حریف بارسا در فینال شود.

رئال در نیمه اول دو گل دریافت کرد و

یک گام تا نهایی شدن انتقال ستاره سیتی به بارسلونا

به نوکمپ انجام شده است. موضوعی که اکنون اسپورت نیز آن را تایید کرده است. این منبع کاتالانی ادعا می کند که تنها یک گام تا انتقال اریک گارسیا به بارسلونا باقی مانده و این بازیکن طی روزهای آینده با قراردادی ۵ ساله راهی بلوگرانا خواهد شد.

ماندن در جمع سیتیزن ها ندارد و به نوعی خواهان حضور در بارسلوناست؛ موضوعی که چندی پیش به تایید سرمربی سیتی یعنی پپ گواردیولا نیز رسیده بود. در همین ارتباط طی روزهای اخیر منابع مختلف گزارش دادند که تمام توافقات لازم برای انتقال اریک گارسیا

ابتدا به نظر می رسد که بلوگرانا قصد دارد هر طور که شده این بازیکن را برای تقویت خط دفاعی خود به نوکمپ بیاورد. از طرف دیگر قرارداد گارسیا با منچستر سیتی تنها تا پایان فصل جاری اعتبار دارد و مشخص شده که خود این بازیکن نیز هیچ علاقه ای به

اسپورت مدعی شد انتقال اریک گارسیا به بارسلونا در آستانه نهایی شدن قرار گرفته است.

اریک گارسیا در سال ۲۰۱۷ کاتالونیا را ترک کرد و به منچستر سیتی پیوست. این مدافع اسپانیایی طی ماه های گذشته به هدف اصلی باشگاه بارسلونا در نقل و انتقالات تبدیل شده و از همان



پس باید در مورد او صبور باشیم. او برابر استوک سیتی که یک نیمه خوب را هم داشت، دوباره مصدوم شد و معتقدم قدم به قدم می توان بیل را به روزهای اوجش برگرداند.»

ا ثانیه هم در مورد آینده بیل بحث نکرده ایم
واکنش مورینیو به شایعات بازگشت بیل به رئال

دهم که در مورد فصل بعد هنوز هیچ صحبتی نشده است.»

مورینیو ادامه داد: «بیل وقتی به جمع ما پیوست، مصدوم بود. او یک ماه دور از میدان ماند و سپس به تدریج در بازی های دور گروهی لیگ اروپا مورد استفاده قرار گرفت. این کمک کرد شرایط بدنی اش بهتر شود.»

بازی در لیگ برتر داستانی متفاوت با دور گروهی لیگ اروپا و بازی های حذفی چون جام اتحادیه و جام حذفی دارد. بله؛ گرت در لیگ برتر خیلی به میدان نرفته ولی همه می دانید که او در یکی دو سال گذشته شرایط خوبی در رئال نداشت

برای او تکرار شده و بیل هرگز نتوانسته به فرم مورد نظر خود بازگردد. دیروز نشریه تایمز ادعا کرد که سران تاتنهام تصمیم گرفته اند تا قرارداد قرضی بیل را تمدید نکنند و او تابستان به رئال باز خواهد گشت.

ژوزه مورینیو سرمربی تاتنهام که در نشست خبری بازی با شفیلد یونایتد شرکت کرده بود، در مورد شایعات پیرامون بیل گفت: «ما در باشگاه حتی یک ثانیه هم در مورد آینده بیل بحث و گفت و گو نکرده ایم. اینکه قرارداد قرضی اش تمدید شود یا برگردد. او بازیکن قرضی ما تا پایان فصل است و به شما قول می

ژوزه مورینیو شایعات اخیر در مورد بازگشت قطعی گرت بیل به رئال را رد کرد. گرت بیل که در تابستان و در یک انتقال پر سر و صدا با قرارداد قرضی و یک ساله از رئال مادرید به تاتنهام پیوست، تا به اینجا نتوانسته خود را به ترکیب اصلی تیم لندن تحمیل کند و همچون آخرین فصول حضور در لوس بلانکوس اغلب یک نیمکت نشین بوده است.

در ابتدا به نظر می رسد که ستاره ولزی در تاتنهام کاملاً خوشحال است و قصد دارد در تیم لندن دوباره به روزهای خوش گذشته بازگردد اما داستان تکراری مصدومیت ها و پس از آن نیمکت نشینی در تیم جدید نیز



دکتره، اوپولگولواو مالدار وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم



«دعوت به اظهار علاقمندی»

شماره دعوت درخواست به اسناد اظهار علاقمندی : MAIL/IFAD/SNaPP2/23042020/CQS

برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم SNAPP2 وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام موسسات و شرکت های خدمات مشاورتی واجد شرایط دعوت مینماید تا درخواست های اظهار علاقمندی (EOI) خویش را برای ورکشاپ ۴ روزه آموزش آموزگاران (TOT) را برای حدود ۲۰ تن از کارمندان ساحوی ترویج این پروژه مطابق لایحه وظایف ارایه شده در اسناد اظهار علاقمندی در دفتر مرکزی SNAPP2 دایر نماید.

شرکت ها و موسسات خدمات مشاورتی میتوانند اسناد اظهار علاقمندی مربوطه را در فلش دسک (حافظه) بطور رایگان از آمریت تدارکات پروژه SNAPP2 ویا از وب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و هم چنان معلومات متذکره را میتوانند از وب سایت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري (www.mail.gov.af) و وب سایت اکبر بدست آورده، شرکت ها و موسسات مشاورتی میتوانند اسناد اظهار علاقمندی خویش را مطابق لایحه وظایف ارایه شده در اسناد درخواست اظهار علاقمندی و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۹۹ ساعت ۱۰ بجه قبل از ظهر به آمریت تدارکات برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداري تسلیم نمایند، اسناد های ارایه شده اظهار علاقمندی انترنیتی قابل پذیرش نمیشد.

اسناد های رسیده اظهار علاقمندی شرکت ها و موسسات مشاورتی بتاريخ ۲۰/۱۱/۱۳۹۹ ساعت ۱۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه SNAPP2 واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداري باز گشایی میگردد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



بايدن چگونه می تواند به برقراری صلح پایدار در افغانستان کمک کند؟

به اصلاحات ضروری در زمینه امنیت و حکومت داری ناتوان کرده است. کنار بگذارند.

دولت بایدن باید با متحدان، شرکا و سایر بازیگران اصلی منطقه (از جمله چین، روسیه و هند) برای بازسازی اعتماد و ایجاد تفاهم پس از دوره ترمپ وارد تعامل استراتژیک و جدی شود. عین تعامل با افغانها نیز لازم است. بی اعتمادی بین ایالات متحده و افغانها بی داد می کند و لازم است هریک از طرفها راهی برای درک طرف دیگر پیدا کنند.

ایالات متحده و شرکایش باید هرچه را در توان دارند برای از سرگیری مذاکرات صلح در همین ابتدای سال ۲۰۲۱ انجام دهند. دور تازه گفتگوها باید برای پرداختن به مسائل اساسی که برای چارچوب حکومتی پسا جنگ الزامی است آغاز شود. همه‌ی این کارها اما بدون صبر و حوصله ناممکن است. واکنش ایالات متحده در برابر هر بن بست در جریان گفتگوها نباید پذیرفتن بی چون و چرای خواسته‌های طالبان باشد.

ایالات متحده برای تسهیل مذاکرات باید به‌طور جدی پیشنهاد کند که هر دو طرف مخالف با حضور یک میانجی مستقل و قابل قبول از کشور ثالث موافقت کنند. چنین ترتیبی در روند به طرفها کمک خواهد کرد که بتوانند در مورد مسائل بسیار پیچیده و عمیقاً مورد اختلاف مذاکره کنند.

با این که محرک اصلی منافع ایالات متحده در افغانستان و منطقه جنوب آسیا و آسیای میانه، امنیت امریکا و امریکایی‌ها است، دولت بایدن باید اهمیت ارزش‌های ایالات متحده را بازگرداند. ایالات متحده باید حمایت خود را از اصول اصلی قانون اساسی لیبرال افغانستان که دست‌آوردهای چشم‌گیر این کشور طی بیست‌سال گذشته در زمینه حاکمیت دموکراتیک، توان‌مندسازی زنان، محافظت از حقوق اقلیت‌های قومی و آزادی مطبوعات و اجتماعات را ممکن کرده است، دوباره اعلام کند. این کار با مواضع بایدن که احیای نقش امریکا به عنوان محافظ دموکراسی در سراسر جهان است، کاملاً هم‌خوانی دارد.

مهم است بپذیریم که صلح پایدار هرگز در افغانستان تحقق نخواهد یافت، مگر این که چارچوبی برای حکومت‌داری در این کشور ایجاد شود که بتواند حقوق مردم را محافظت و شرایط را برای دستیابی به عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی پایدار مهیا کند.

همان‌طور که دونه‌ها در کنفرانس ژنو در نوامبر ۲۰۲۰ واضح ساختند، پیشرفت اقتصادی افغانستان به ادامه حمایت جامعه جهانی از این کشور پیوند دارد. ایالات متحده و شرکای بین‌المللی‌اش باید از اهرم حمایت اقتصادی (حیاتی برای افغانستان) و کمک‌های توسعه‌ای‌شان به این کشور برای تأثیرگذاری بر رفتار و عملکرد طالبان و حکومت افغانستان به صورت کامل و مؤثر استفاده کنند.

برای دولت بایدن باید روشن باشد که یک رویکرد قاطع و صبورانه می‌تواند نتیجه خوبی برای منافع ایالات متحده و افغانستان داشته باشد. اندازه و هزینه حضور امریکا در افغانستان به‌طور قابل‌ملاحظه کاهش یافته است و اکنون دو طرف در حال گفت‌وگو هستند. دیپلماسی ماهرانه و مؤثر، استفاده‌ی خوب از کمک‌ها و ابزارهای نظامی و حمایت شرکای افغانستان می‌تواند به این کشور برای رسیدن به صلحی که اکثریت قریب به اتفاق شهروندان آن را آرزو دارند و صلحی که منافع امنیتی ایالات متحده را تأمین و جایگاه بین‌المللی امریکا را تقویت کند، کمک کند.

جیمز بی. کابینگهام قبلاً به عنوان سفیر ایالات متحده در افغانستان، اسرائیل و سازمان ملل و همچنین معاون سفیر در کابل خدمت کرده است.

هوگو لارنس قبلاً به عنوان سفیر ایالات متحده در هندوراس، دست‌یار سفارت در افغانستان و کاردار ویژه واشنگتن در کابل خدمت کرده است.

رونالد ای. نیومان قبلاً به عنوان سفیر ایالات متحده در الجزایر، بحرین و افغانستان خدمت کرده و اکنون رییس «آکادمی دیپلماسی امریکایی» است.

ریچارد اولسون قبلاً به عنوان نماینده ویژه ایالات متحده در افغانستان و پاکستان، سفیر در اسلام‌آباد، رییس امور اقتصادی و کمکی واشنگتن در کابل و سفیر در امارات متحده عربی فعالیت داشته است.

ارل آنتونی وین قبلاً به عنوان معاون سفیر و رییس امور اقتصادی و کمکی در کابل، سفیر در مکزیک و آرژانتین و دست‌یار وزارت امور خارجه در امور اقتصادی و بازرگانی خدمت کرده است.



و سایر متحدان واشنگتن که با وفاداری کنار ایالات متحده در افغانستان مشارکت داشته‌اند، مشوره شود. روند بازنگری باید بررسی مجدد خروج نظامی‌ها را نه تنها به عنوان بخشی از یک استراتژی سیاسی بلکه همچنین برای اطمینان از امنیت نیروها، دیپلمات‌ها و سایر پرسنل امریکایی باقی‌مانده در افغانستان شامل شود.

تیم بایدن در صحبت‌های خصوصی با نمایندگان طالبان در دوحه باید واضح سازد که ایالات متحده حتا پس از بازنگری سیاست‌هایش هیچ الزامی بر اساس توافق‌نامه ماه فروری ۲۰۲۰ ایالات متحده با طالبان برای تکمیل خروج نیروهای امریکایی از افغانستان تا زمانی که شواهد ملموس درباره عملی شدن تعهدات طالبان در مورد القاعده و سایر سازمان‌های تروریستی و جدی بودن این گروه در مذاکرات برای صلح، در دست نباشد، ندارد.

تیم بایدن باید روشن کند که سطح نیروهای امریکایی در افغانستان و سایر حمایت‌های دیپلماتیک و مالی ایالات متحده به این کشور به اقدامات ملموس و قابل اعتماد طالبان و حکومت افغانستان - اگر نه آتش‌بس - در راستای کاهش چشم‌گیر و قابل اندازه‌گیری خشونت‌ها در افغانستان بستگی خواهد داشت.

مطرح کردن این نکات احتمالا به چانه‌زنی‌های دشواری با طالبان منجر خواهد شد.

بایدن و مقامات ارشد دولتش باید عین نکات را با مقامات پاکستانی نیز در میان بگذارند. ایالات متحده باید واضح سازد که روابط مثبت دوجانبه بین واشنگتن و اسلام‌آباد، از جمله از سرگیری روابط نظامی دو کشور، تنها زمانی ممکن خواهد بود که مقامات نظامی، استخباراتی و غیرنظامی پاکستان به‌طور جدی از نفوذشان بر طالبان برای کاهش خشونت در افغانستان استفاده کنند و مطمئن شوند که طالبان با حسن نیت و برای رسیدن به توافق سیاسی مذاکره می‌کنند.

دولت جدید ایالات متحده باید به رییس‌جمهور غنی و طبقه سیاسی کابل واضح سازد که قرار نیست واشنگتن به کابل چک سفید دهد و نیز ادامه حمایت مالی و نظامی امریکا به تلاش حکومت و نخبگان سیاسی افغانستان برای یافتن راه‌حل سیاسی سازنده‌ی که بتواند خصومت‌ها را پایان دهد، بستگی خواهد داشت. رهبران افغانستان، اعم از حکومتی‌ها و اعم از اپوزیسیون و جامعه مدنی در کابل باید اختلافات‌شان را که در واقع حکومت را از مذاکره مؤثر و در دست‌یابی



ایالات متحده برای تسهیل مذاکرات باید به‌طور جدی پیشنهاد کند که هر دو طرف مخالف با حضور یک میانجی مستقل و قابل قبول از کشور ثالث موافقت کنند. چنین ترتیبی در روند به طرفها کمک خواهد کرد که بتوانند در مورد مسائل بسیار پیچیده و عمیقاً مورد اختلاف مذاکره کنند.

منطقه به ویژه با حامی اصلی طالبان، پاکستان بود. این رویکرد چندسره سرانجام و همان‌طور که باید، شرایط را برای مذاکرات مستقیم ایالات متحده و طالبان در ماه سپتامبر ۲۰۱۸ فراهم کرد. گفت‌وگوهای صلح به رهبری زلمی خلیل‌زاد از جانب ایالات متحده، و ملا برادر از جانب طالبان، به امضای توافق‌نامه‌ای بین دو طرف در ۲۹ فروری ۲۰۲۰ انجامید. این توافق‌نامه تاریخی و نه‌چندان بی‌عیب، شامل چهار عنصر اصلی بود: تعهد طالبان به جلوگیری از فعالیت گروه‌های تروریستی مانند القاعده و ولایت خراسان دولت اسلامی در خاک افغانستان، جدول زمانی برای خروج نیروهای امریکایی تا اوایل سال ۲۰۲۰، آغاز گفت‌وگوهای صلح بین مقامات حکومت افغانستان و هم‌تایان طالبان‌شان، و تعهد به کاهش خشونت در این کشور. در کنار این توافق‌نامه، هم ایالات متحده و هم حکومت افغانستان به‌طور جداگانه بر لزوم آتش‌بس نیز تأکید کردند.

این تلاش‌های دیپلماتیک چشم‌گیر از جمله آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی در دوحه، فرصتی بی‌پیشینه را برای پایان دادن به منازعه افغانستان و همچنین حفظ منافع امنیتی اصلی ایالات متحده فراهم کرد.

متأسفانه ترمپ برخلاف توصیه مشاوران امنیت ملی خود سعی کرد با اعلام تصمیمش به تکمیل روند خروج نیروهای امریکایی از افغانستان تا پایان سال ۲۰۲۰ اهداف انتخاباتی تیمش را پیش ببرد. در نتیجه اعتبار «خروج مبتنی بر شرایط» از افغانستان آسیب دید. تویتهای بی‌ملاحظه رییس‌جمهور ترمپ و مداخلات بدوقت وی مذاکرات شکننده صلح افغانستان را تضعیف کرد. علاوه بر این، تیم ترمپ حکومت افغانستان را مجبور به دادن امتیازات یک‌جانبه به طالبان کرد که آزاد کردن زندانیان این گروه که ممکن است تا حالا به میدان جنگ بازگشته باشند، نیز شامل آن بود. مداخلات ترمپ باعث تشجیع طالبان شد و به این گروه جرات داد عملیات‌های نظامی‌اش از جمله ترورهای هدف‌مند مقامات، روزنامه‌نگاران و رهبران جامعه مدنی را تشدید کند. علاوه بر این گزارش‌های سازمان ملل متحد و اظهارات مقامات امریکایی در کنار سایر تحلیل‌ها حاکی از این است که گروه طالبان به تعهدات خود در توافق‌نامه‌اش با ایالات متحده در خصوص القاعده، عمل نکرده است.

فرصت بایدن
خوش‌بختانه بایدن، وزیر خارجه‌ی دولتش «تونی بلینکن»، وزیر دفاع دولتش «لوید استین» و مشاور امنیت ملی‌اش «جیک سالوان» همه از تجربه کافی در خصوص افغانستان برخوردارند. آن‌ها ارزش ختم جنگ در این کشور از طریق توافقی که بتواند زمینه را برای برقراری صلح پایدار و امکان عملی را برای جلوگیری از تهدیدات تروریستی بین‌المللی از خاک افغانستان فراهم کند، درک می‌کنند.

دولت جدید بایدن باید تصریح کند که از مذاکرات صلح جاری در دوحه حمایت می‌کند. دولت بایدن باید روند خروج نیروهای امریکایی را از افغانستان تا زمانی که یک بازنگری سیاستی سریع بین‌انهادی در این خصوص انجام نشده، متوقف کند. در روند بازنگری باید با ناتو، اتحادیه اروپا

جیمز کابینگهام، هوگو لارنس، رونالد نیومان، ریچارد اولسون و ارل آنتونی وین، شورای آتلانتیک مترجم: جلیل پژواک

از مهم‌ترین مسائل مرتبط با سیاست خارجی کاخ سفید که رسیدگی به آن اولویت دولت جدید ایالات متحده به رهبری بایدن خواهد بود، یکی هم جنگ افغانستان و تصامیم دشوار مرتبط با آن است. به‌رغم اشتباهات ایالات متحده‌ی تحت رهبری ترمپ در خصوص افغانستان، اکنون این کشور واقعا ممکن است فرصتی برای دستیابی به نوعی توافق سیاسی و کاهش قابل‌ملاحظه خشونت داشته باشد.

تیم جو بایدن در مسیرش به سمت برقراری صلح پایدار در افغانستان باید خیلی محتاطانه گام بردارد. دولت جدید ایالات متحده از یک طرف باید روشن کند که صلح در افغانستان به معنای تحویل دادن این کشور به دست طالبان نیست، بلکه مستلزم جلوگیری از پیروزی نظامی طالبان است. از طرف دیگر دولت بایدن و شرکای ایالات متحده باید فشارشان را بر حکومت افغانستان برای مذاکره جدی با طالبان حفظ کنند و برای کابل واضح سازند که حمایت نظامی یا مالی امریکا را به‌عنوان مجوزی برای امتناع از سازش تصور نکنند.

دولت بایدن باید همه‌ی این کارها را انجام دهد و در عین حال بپذیرد که مذاکرات موفقیت‌آمیز، یعنی مذاکراتی که موجب حفظ قانون اساسی و حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان شود، زمان‌بر است.

تلاش برای دستیابی سریع به صلح در افغانستان به اشتباهات بی‌شماری انجامیده است. دولت ترمپ بارها حکومت افغانستان را وادار کرد تا در مذاکرات باج دهد و حتا در مواردی برای عبور از بن‌بست‌ها در روند مذاکرات دست به تضعیف مواضع خود و واشنگتن زد. در نتیجه‌ی این اشتباهات طالبان به خواسته‌های‌شان افزوده‌اند، هیچ امتیازی ندادند و به مذاکره‌کنندگان جانب حکومت افغانستان نیز گفته‌اند که یگانه نقش مذاکره‌کنندگان حکومت مذاکره در مورد تسلیمی حکومت‌شان به طالبان است.

تیم بایدن باید مصمم و با حوصله هر دو طرف مخالف را به سمت توافق پایدار که بتواند به جنگ طولانی افغانستان پایان بخشد، سوق دهد. اگر این کار به خوبی انجام شود، منافع امنیتی ایالات متحده در افغانستان و منطقه تقویت خواهد شد. اگر بد انجام شود، همان‌طور که تاحالا شاهدش بوده‌ایم، باعث خواهد شد تروریست‌ها در افغانستان جان و جا بگیرند و زنان و مردان این کشور به‌دست سرنوشت شوم سپرده شوند. طالبان در حقیقت همین‌حالا در تلاشند تا از وضعیت امنیتی روبه وخامت افغانستان که در آن روشن‌فکران، روزنامه‌نگاران و رهبران جامعه مدنی به طرز سیستماتیک به قتل می‌رسند، و نیز بی‌اطمینانی عمیق مردم و نخبگان این کشور در خصوص سیاست امریکا، به نفع خود استفاده کنند.

دولت بایدن که در فردای تحلیف ریاست‌جمهوری اولویتش به احتمال زیاد مسائل فوری‌تر مانند تهدید روسیه و بحران کووید ۱۹ و اقتصاد فلج ایالات متحده خواهد بود، باید رویکردی کوتاه‌مدت را برای رسیدگی به این مسائل اتخاذ کند تا فرصت پرداختن به موارد طولانی‌مدت را داشته باشد. اگر دولت جدید امریکا اعلام کند که تا زمان مشخص شدن این امر که آیا طالبان به تعهدات‌شان عمل کرده‌اند یا خیر، خروج نیروهای امریکایی از افغانستان را متوقف می‌کند، فرصت خواهد یافت تا از باخت، آن‌هم قبل از تصمیم‌گیری در مورد طرح نهایی‌اش در خصوص افغانستان، جلوگیری کند.

میراث دولت ترمپ
تیم بایدن نباید اعتبار فراهم‌شدن شرایط برای برقراری صلح در افغانستان را از دولت ترمپ دریغ کند. ترمپ در اولین سال ریاست‌جمهوری‌اش گرچه نسبت به نقش امریکا در افغانستان عمیقاً دچار تردید بود، اما در نهایت به توصیه‌های وزیر دفاع وقت «جیمز متیس»، مشاور امنیت ملی وقت «مک‌ماستر» و رییس‌ستاد مشترک «جوزف دانفور» گوش داد. نتیجه این توصیه‌ها توسعه استراتژی «بستی بر شرایط» برای منطقه جنوب آسیا بود که ترمپ آن‌را در ماه اگست سال ۲۰۱۷ اعلام کرد و بسیاریم مورد توجه قرار گرفت. در این استراتژی مشخص شده بود که نفع استراتژیک ایالات متحده همچنان در جلوگیری از تبدیل شدن دوباره افغانستان به سکوی برای حمله‌ی تروریست‌ها به خاک امریکا نهفته است. برای اطمینان از تبدیل‌نشدن دوباره افغانستان به لانه تروریست‌ها، رویکرد دولت ترمپ شامل فشار نظامی بر شورشیان طالبان از طریق توان‌مندسازی و پشتیبانی از نیروهای امنیتی افغانستان با ارائه مشاوره به این نیروها و تقویت تعاملات دیپلماتیک در